

آیا جزوه را از سایت ما دانلود کرده اید؟

کتابخانه الکترونیکی **PNUEB**

پیام نوری ها بشتابید

مزایای عضویت در کتابخانه **PNUEB**:

دانلود رایگان و نامحدود خلاصه درس و جزوه

دانلود رایگان و نامحدود حل المسائل و راهنما

دانلود کتابچه نمونه سوالات دروس مختلف پیام نور با جواب

WWW.PNUEB.COM

کتابچه نمونه سوالات چیست:

سایت ما **افتخار** دارد برای اولین بار در ایران توانسته است کتابچه نمونه سوالات تمام دروس پیام نور که هر یک حاوی تمامی آزمون های برگزار شده پیام نور (تمامی نیمسالهای موجود **فتی الامکان** با **جواب**) را در یک فایل به نام کتابچه جمع آوری کند و هر ترم نیز آن را آپدیت نماید.

مراحل ساخت یک کتابچه نمونه سوال

(برای آشنایی با زحمت بسیار زیاد تولید آن در هر ترم):

دسته بندی فایلها - سرچ بر اساس کد درس - پسابندن سوال و جواب - پیدا کردن یک درس در نیمسالهای مختلف و پسابندن به کتابچه همان درس - پسابندن نیمسالهای مختلف یک درس به یکدیگر - وارد کردن اطلاعات تک تک نیمسالها در سایت - آپلود کتابچه و فیلدی موارد دیگر..

همچنین با توجه به تغییرات کدهای درسی دانشگاه استثنائات زیادی در ساخت کتابچه بوجود می آید که کار ساخت کتابچه را بسیار پیچیده می کند.

WWW.PNUEB.COM

کتابخانه الکترونیکی **PNUEB**
WWW.PNUEB.COM

عنوان درس:
زمین شناسی برای جغرافیا
(رشته جغرافیا)

تالیف: محمود صداقت
(۱۳۷۲)

انتشارات دانشگاه پیام نور

تهیه کننده: دکتر زهرا عربی
«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور»
سال ۱۳۸۵

هدف کلی درس:

هدف کلی از مطالعه این کتاب آشنایی مقدماتی با علم زمین شناسی، شکل، ساختمان و مواد تشکیل دهنده زمین، فرایندهایی که از درون موجب تغییرات سطح و پوسته زمین می شوند و نتایج حاصل از این فرایندها و نقش زمان در تحولات زمین شناسی است.

جایگاه درس

این درس مربوط به کارشناسی

رشته جغرافیا به ارزش ۲ واحد

درسی می باشد.

Payam Noor University Ebook

PNUeB

«زمین شناسی»

به طور کلی، علم مطالعه سیاره ای است
که در آن زندگی می کنیم این علم از
جهات مختلف به مطالعه زمین
می پردازد.

مواد تشکیل دهنده زمین، فرایندهای فعال در زمین و محصولات ناشی از این فرایندها، ساختمان زمین، رویدادهای گذشته و تاریخ سیاره زمین و شکل‌های مختلف زندگی از ابتدای پیدایش آن تا کنون، از مهمترین مسایلی هستند که مورد توجه زمین شناسان اند.

زمین شناسی نقش مهمی در حل برخی مسایل
مبوم زندگی دارد.

اصولاً مطالعات زمین شناسی در برنامه ریزی
های نوع استفاده از زمین بسیار حیاتی
است. و به ما می آموزد که در بهره برداری از
منابع طبیعی به عواقب کار خود بیاندیشیم و از
این منابع چنان بهره بگیریم که دچار خسارات
جبران ناپذیر نشویم.

قلمرو علم زمین شناسی وسیع است و با
بسیاری از علوم دیگر در ارتباط
است. زمین شناسی با علوم چون آب
شناسی، هوا شناسی، اقیانوس شناسی،
خاک شناسی، کشاورزی، اختر شناسی،
جغرافیای طبیعی و بسیاری از علوم و
فنون دیگر ارتباط نزدیک دارد.

با توجه به گستردگی موضوع مطالعه زمین، زمین شناسی به شاخه ها و رشته های مختلفی تقسیم می شود که هر یک از در زمینه های تقریباً مستطیلی به مطالعه می پردازد.
که مهمترین آنها به شرح زیرند:

الف- کانی شناسی

ب- سنگ شناسی

ج- ژئومورفولوژی

د- رسوب شناسی

ه- زمین شناسی ساختمانی

و- چینه شناسی

ز- دیرین شناسی

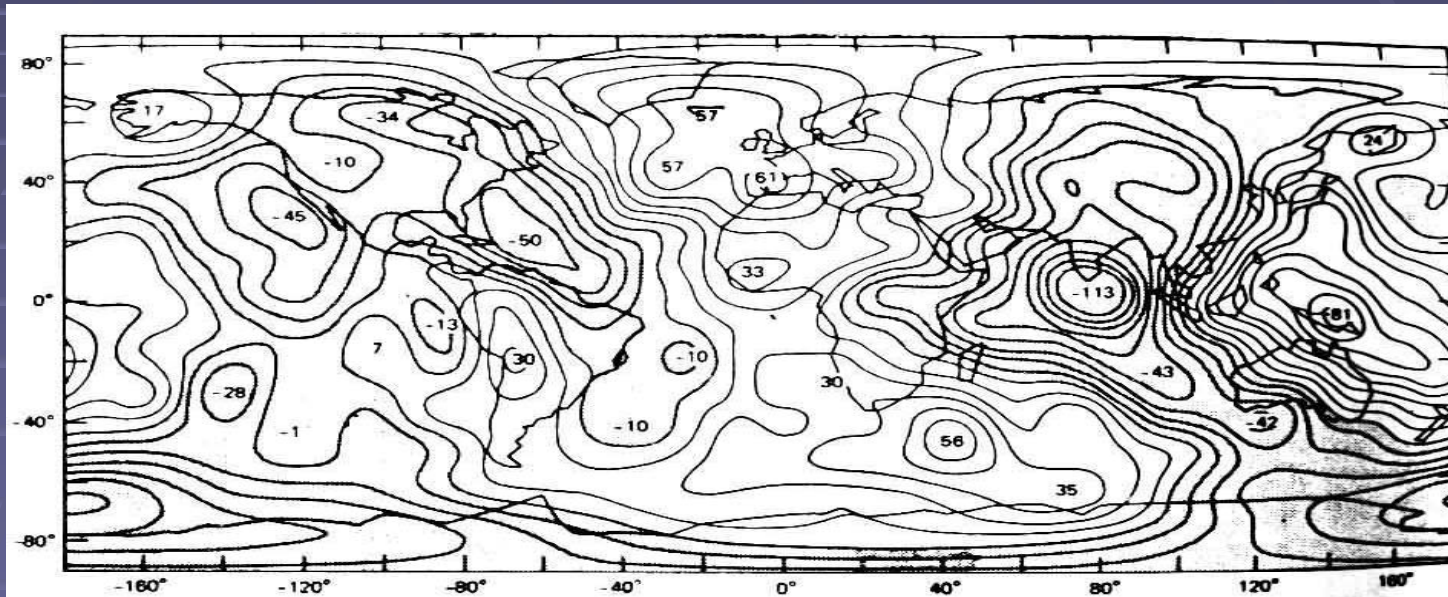
ح- زمین شناسی کاربردی

ط- نقشه برداری زمین شناسی

زمین به طور کلی، کروی در نظر گرفته می شود. شکل آن خیلی نزدیک به کره است ولی کره کامل نیست، بلکه به صورت یک «بیضوی پخ» است. زمین در قطبین کمی فشرده و در استوا کمی برآمده است.

هر جسم در حال چرخش تحت تاثیر نیروی
گریز از مرکز قرار دارد. زمین نیز تحت تاثیر
چنین نیرویی است که مقدار آن در قطبین
صفر و در استوا حداکثر است.

شکل زمین را با یک سطح تئوری به نام «زمین وار»
(ژئوئید) توصیف می کنند، زمین وار عبارت است از شکل
حاصل از تراز متوسط دریاها، وقتی که در زیر خشکیها
ادامه پیدا کند.

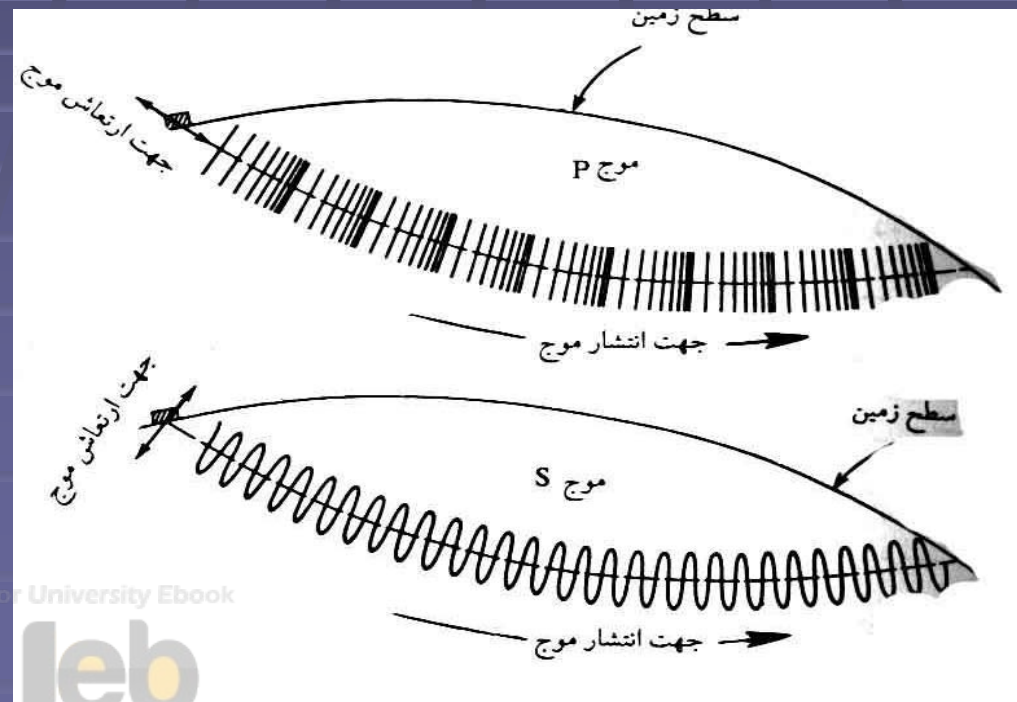


زمین وار یک سطح مبناء در مشاهدات نجومی و
نقشه برداری است.

بیشتر روشهای مطالعه درون زمین ماهیت
ژئوفیزیکی دارند. ژئوفیزیکی علمی است
که با فیزیک پدیده های زمین شناسی
سروکار دارد و از جمله این پدیده
ها، زمین لرزه، گرانی، مغناطیس و گرمای
درونی زمین است.

زمین لرزه ها به طور کلی دو نوع موج
تولید می کنند که عبارت اند»
انواج سطحی (امواجی که در سطح و نزدیک
سطح زمین حرکت می کنند) و
امواج داخلی (امواجی که از درون زمین
می گذرند و می توانند از تمام کره زمین عبور
کنند.)

امواج داخلی خود به دودسته تقسیم می شوند:
امواج فشاری یا طولی و امواج برشی یا عرضی.
امواج فشاری در جهت انتشار موج و امواج برشی در جهت عمود بر انتشار موج و امواج برشی در جهت عمود بر انتشار موج سبب ارتعاش ذرات ماده می شوند.



امواج فشاری چون سریعتر از امواج برشی حرکت می کنند زودتر به ایستگاههای ثبت امواج زمین لرزه می رسند، امواج اولیه (P) نیز خوانده می شوند. امواج برشی را امواج ثانویه (S) نیز می گویند.

پس از وقوع زمین لرزه، امواج S,P از کانون زلزله به خارج در تمام جهات منتشر می شود. سرعت امواج بستگی به چگالی و الاستیسیته سنگهایی دارد که امواج از آنها عبور می کند.

الاستیسیته معیاری است برای نشان دادن میزان تغییر شکل یک سنگ وقتی که تحت تاثیر تنش قرار می گیرد.

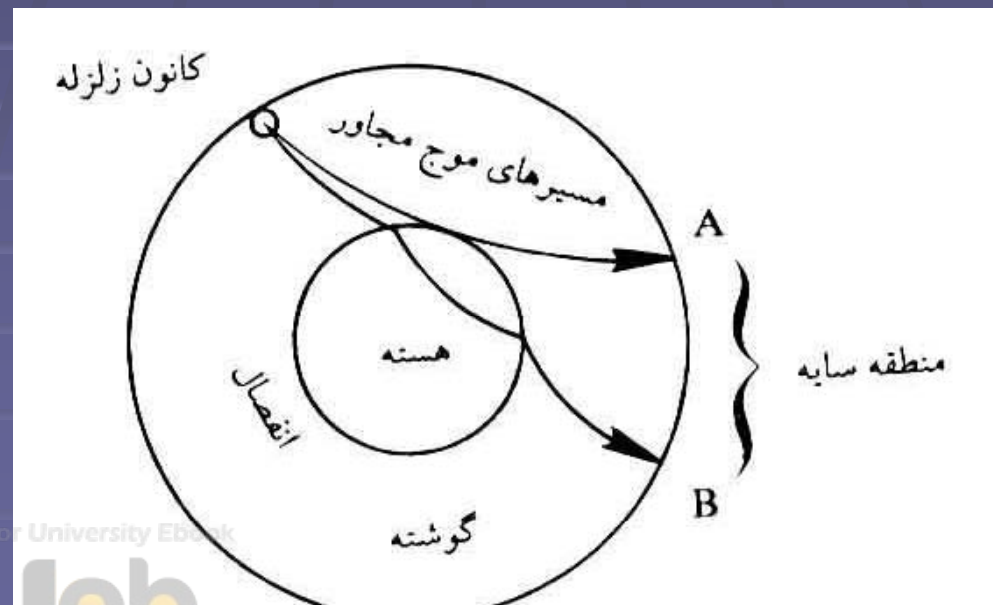
تنش یا استرس در یک جسم جامد عبارت است از نیرویی که بر واحد سطح (بر روی هر سطحی در داخل آن جسم) اعمال شود.

الاستیسیته و چگالی سنگها با افزایش عمق
عموماً افزوده می شود .

الاستیسیته بیشتر موجب عبور سریعتر امواج
لرزه ای و چگالی بیشتر سبب کاهش
سرعت امواج لرزه ای می شوند.

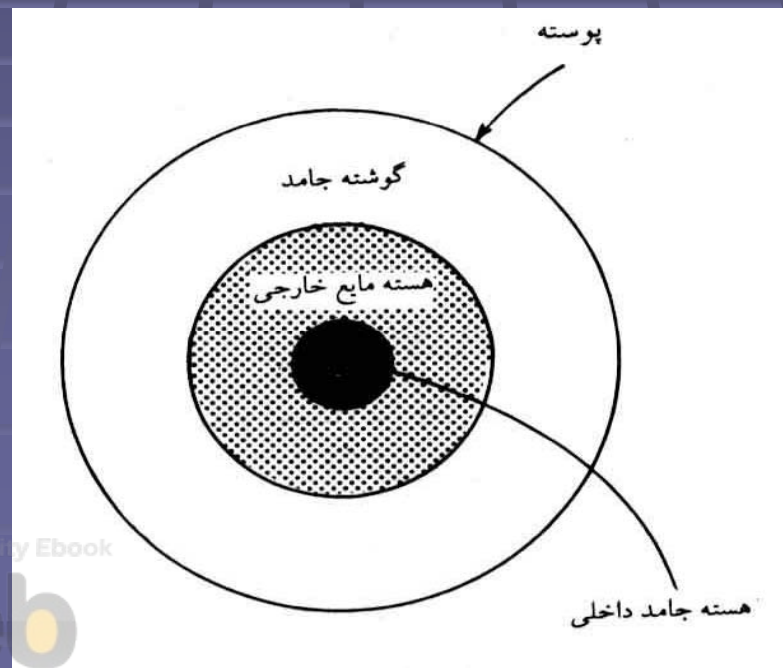
در جایی که سنگهای با چگالی کاملاً متفاوت در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند سرعت امواج لرزه ای ناگهان تغییر می کند. چنین مرزهایی را در داخل زمین «انفصال» یا گسستگی می گویند.

انحراف موج P بر اثر شکست آن در مرز گوشته وهسته، باعث می شود که در منطقه ای از سطح زمین (A,B در شکل زیر) موج P حاصل از یک لرزه زمین ثبت نشود، این منطقه را که بین تقریباً 10^3 تا 143 درجه از مرکز سطحی زلزله قرار گرفته، «منطقه سایه» می گویند.



موج S یا برشی نمی تواند از درون سیالات عبور کند، زیرا عمل این موج تغییر شکل (نه تغییر حجم) اجسام است. بنابراین چون موج S نمی تواند در هسته نفوذ کند نتیجه گیری می شود که هسته خارجی زمین **باید مذاب** باشد .

بر اساس اطلاعات به دست آمده از بررسیهای لرزه شناسی معلوم شده که زمین دارای یک ساختمان لایه لایه است. لرزه شناسان به طور کلی زمین را به سه قسمت پوسته، گوشته، و هسته تقسیم می کنند.



به خارجی ترین بخش زمین «پوسته» می گویند که نسبت به بقیه زمین از سنگهای متنوع تری درست شده است. ضخامت پوسته نسبت به شعاع زمین بسیار کوچک است. ضخامت پوسته در زیر رشته کوههای قاره ها حداکثر، در دشتهای و سپرهای قاره ای کمتر و در اقیانوسها حداقل است.

مرز بین پوسته و گوشته، که اول بار در سال ۱۹۰۹ به وسیله لרزه شناسی به نام «موهورویچ» تشخیص داده شد به نام او انفصال موهورویچ یا به طور ساده «موهو» می شود.

گوشته که در زیر پوسته قرار گرفته
بیشترین حجم زمین را به خود اختصاص
داده است. گوشته از عمق حدود ۲۰
کیلومتر (میانگین ضخامت پوسته در کره
زمین) تا ۲۹۰۰ کیلومتری ادامه دارد. بر
اساس خصوصیات امواج لرزه ای ، گوشته
را می توان به لایه هایی تقسیم کرد.

بحث بالایی گوشته همراه با پوسته یک لایه به ضخامت حدود ۷۰ تا ۱۰۰ کیلومتر تشکیل می دهد، که از سنگهای سخت و شکننده تشکیل شده است و «سنگ کره» (لیتوسفر) خوانده می شود. سنگ کره به قطعاتی شکسته شده است که به آنها ورق یا صفحه می گویند. در زیر سنگ کره ناحیه ای به نام «سست کره» (استنوسفر) قرار گرفته متشکل از مواد نرم می باشد. گوشته زیرین (بین ۴۰۰۰ تا ۲۹۰۰۰ کیلومتر) را «میان کره» (مزوسفرن) می نامند. در این قسمت سنگها چگال و بسیار الاستیک اند.

در زیر گوشته، هسته قرار گرفته است و منبع تولید میدان مغناطیسی زمین است. هسته از دو قسمت خارجی (مایع) و داخلی (جامد) تشکیل شده است. تصور می شود، که هسته از مخلوطی از آهن و نیکل درست شده است.

در بخشهای بالایی زمین، تقریباً در عمق ۱۰۰ کیلومتری آن، سنگ گره نسبتاً صلب عموماً در یک حالت تعادل شناور است (درست مانند قطعات پخ یا چوب شناور در آب) اگر بتوانیم زمین را تا این عمق حفر کنیم و ستونهایی با مقطع یکسان از زمین خارج کنیم، تمام ستون جرم یکسانی خواهند داشت ستون یک منطقه قاره ای بلندتر از ستون یک منطقه اقیانوسی است. این شرایط تعادل جرمها را در سنگ گره «ایزوستازی» می گویند.

مواد تشکیل دهنده زمین به سه شکل گاز، مایع و جامدند. بخش گازی زمین عمدتاً به صورت پوششی اطراف زمین را فرا گرفته که هوا کره (اتمسفر) خوانده می شود.

مجموعه پوشش آبی زمین را «آب کره» (هیدروسفر) می گویند.

بخش جامد زمین، به طور کلی از سنگها ساخته شده است که تنوع بسیاری زیادی دارند.

کانیها

که اجزاء سازنده سنگها می باشند عبارتند از از
موادی طبیعی، غیر آلی، جامد و متبلور که
ترکیب شیمیایی معینی دارند یا ترکیب آن
در محدود معینی تغییر می کنند.
کانیها دارای ساختمان بلورین اند، یعنی
مولکولهای یا بونهای آنها دارای آرایش
هندسی معینی هستند.

خواص فیزیکی ظاهری کانیها عبارت اند از :

الف- جلا: جلا عبارت است از توصیف نمود ظاهری سطح یک کانی.

ب- سختی- مقاومت یک کانی را در برابر خراشیده شدن.

ج- رنگ: بسیاری از کانیها رنگهایی دارند و می تواند در شناسایی آنها به کار آید.

د- رنگ خاکه: رنگ پودری کانیها را «رنگ خاکه» می گویند.

ه- چگالی: چگالی عبارت است از نسبت جرم به حجم یک نمونه.

و- رخ- برخی از کانیها بر اثر ضربه یا فشار در امتداد سطوح موازی معینی آسانتر از جهات دیگر شکسته یا کسپخته می شوند.

این سطوح گیسختگی را «رخ» (کیلواژ) می گویند.

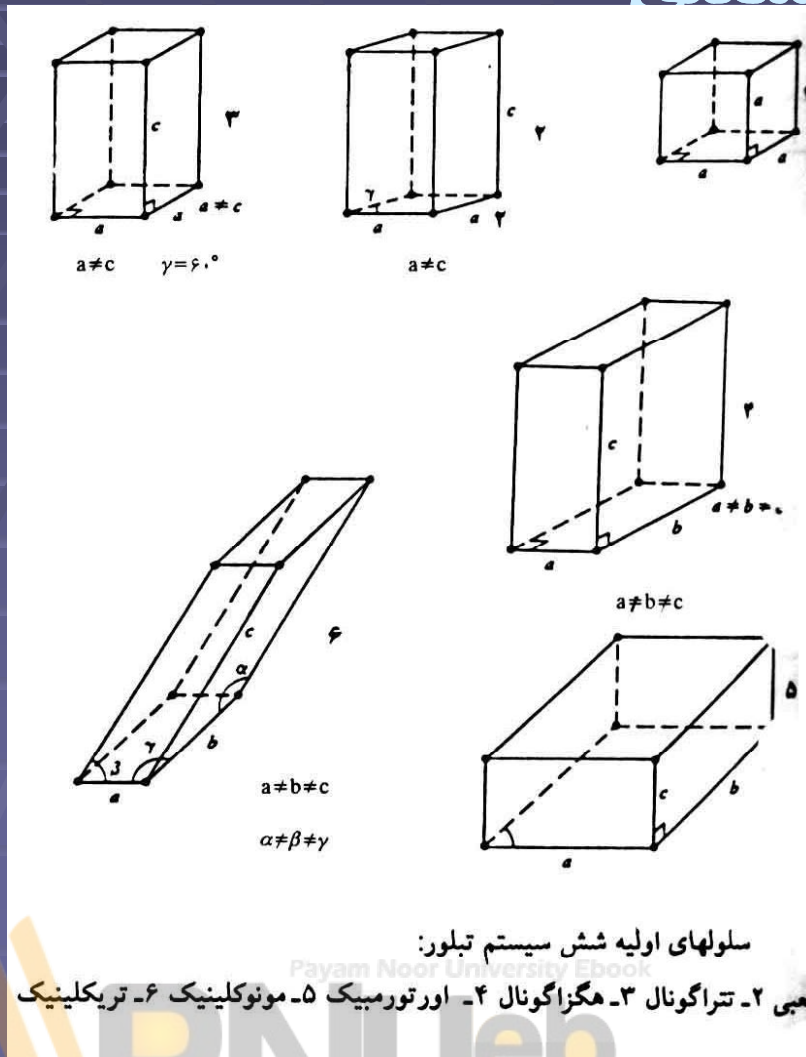
بلورهای یک کانی می تواند به شکلهای و اندازه های مختلفی ظاهر شود، ولی در تمام آنها زاویه بین سطوح معین، که «سطوح بلور» خوانده می شود، همواره ثابت است. شکل بلورین کانیها نتیجه ساختمان اتمی منظم در آنهاست. قرار گرفتن اتمها به صورت منظم در یک بلور، سطوحی ایجاد می کنند که به آن سطوح شبکه ای می گویند.

بر اساس مطالعات کانی شناسان معلوم شده که سلولهای اولیه تمام کانیها متعلق

به یکی از شش حالتی است که در شکل زیر نشان داده

شده و هر کدام آنها یک «سیستم تبلور» خوانده

می شوند.



حدود ۳۰۰۰ کانی در طبیعت شناخته شده اند.
ترکیب عناصر شیمیایی این کانیها شامل تقریباً تمام
۱۰۳ عنصر موجود در جدول تناوبی عناصر است. اما
تمام این کانیها فراوان نیستند و تنها معدودی از
آنها هستند که نقش اصلی را در ساختن سنگها
دارند و به «کانیها سنگ ساز» معروف اند.

مهمترین گروههای کانیها عبارت اند از:

سیلیکاتها، کربناتها، اکسیدهای، سولفیدها،

سولفاتها، هالیدها، فسفاتها و عناصر
طبیعی.

کانیهای سیلیکاتی: که سازنده اصلی دودسته بزرگ از سنگها یعنی سنگهای آذین و دگرگونی است و محصولات ناشی از هوا زدگی آنها در سنگهای رسوبی نیز اهمیت دارد. تقریباً ۵ درصد پوسته زمین از کانیهای سیلیکاتی ساخته شده است.

مهمترین آنها عبارت اند از:

اولیوین ها
پیروکسن ها
آمفیبولها
میکاهها
فلدسپاتها
کوارتز

ب- کانیهای کربناتی: عنصر کربن در طبیعت فراوان نیست. با این وصف در گروه مهمی از سنگهای رسوبی یافت می شود. نمونه های آنها عبارتند از:

کلیست
آراگونیت

ج- کانیهای اکسیدی:
این کانیها معمولاً دارای اهمیت اقتصادی
اند. مهمترین آنها عبارت اند از:

هماتیت
مانیتیت
ایلمنیت
کروندوم

د- کانیهای سولفیدی :
این کانیها غالباً دارای اهمیت اقتصادی اند. از
جمله این کانیها می توان انواع زیر را نام
برد.

گالن
پیریت

هـ – کانیهای سولفاتی: از کانیهای فراوان
غیر سیلیکاتی کانیهای سولفاتی
است. از کانیهای سولفاتی مهم انواع زیر را
می توان نام برد:

ژیپس
انیدریت
باریت

زمین شناسان بر اساس منشأ و نحوه تشکیل
سنگها، آنها را به سه گروه اصلی سنگهای
آذرین، رسوبی و دگرگونی
تقسیم می کنند.

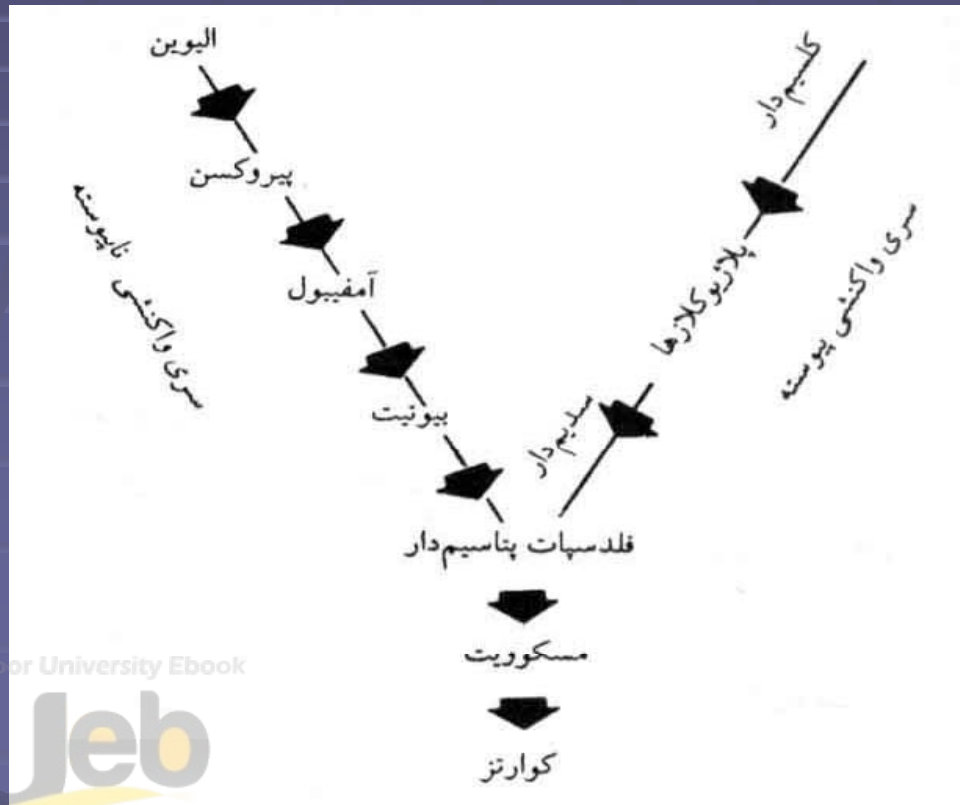
سنگهای آذرین بر اثر انجماد ماگما در زیر یا سطح زمین ایجاد می شوند و به دو دسته اصلی سنگهای آذرین خروجی یا آتشفشانی و سنگهای آذرین نفوذی یا درونی تقسیم می شوند. موادی که از دهانه آتشفشانها به صورت مذاب یا گذاره خارج می شوند و نسبتاً به سرعت سرد می گردند، سنگهای آذرین خروجی را می سازد. ماگما ممکن است در داخل سنگها در پوسته زمین تزریق شود و در زیر زمین به آهستگی سرد و منجمد شود و به این ترتیب سنگهای آذرین درونی را به وجود آورد.

کانیها کوناگون در دماهای مختلفی متبلور می شوند
وماگما آن قدر سرد شود که به نقطه انجماد برخی
کانیها برسد، آن کانیها متبلور می شوند و ماگما به
مخلوطی از بلورهای جامد و مایع تبدیل می
شود. اگر این کانیها از مایع باقیمانده جدا شوند، دو
نوع سنگ تشکیل خواهد شد. یکی از کانیها که قبلاً
متبلور شده اند و دیگری از مایع باقیمانده، این
فرایند را

«تفریق ماگما بر اثر تبلور بخشی»
می گویند.

«بوون»

اولین دانشمندی بود که به اهمیت تفریق ماگما بر اثر تبلور پی برد. بر اثر آزمایشها بوون اعلام کرد که محدوده وسیعی از سنگهای آذرین تنها از یک ماگما می توانند تولید شود. پژوهشهای او به یک قاعده عمومی در مورد تشکیل سنگهای آذرین منجر شد که به «سری واکنشی بوون» معروف است. شکل زیر



بوون یافت واکنشها به طور همزمان به دو صورت انجام می گیرد، که آنها را سری واکنشی پیوسته و ناپیوسته نامید. در سری واکنشی ناپیوسته، کانیهای که در مراحل اولیه تشکیل می شوند و بعداً با سیال باقیمانده وارد واکنش می شوند تا کانیهای جدید را به وجود آورند. راه دومی که واکنش به پیش می رود یک سری پیوسته (سری محلول جامد) از فلدااسپاتهای پلاژیوکلاز است. یک سری محلول جامد گروهی از کانیها دارای ساختمان بلورین یکسان است که تغییر ترکیب شیمیایی پیوسته ای نشان می دهند.

«بافت» به طور کلی به شکل، اندازه و آرایش دانه های گانی در یک سنگ گفته می شود. سرعت سرد شود، بلورهای تشکیل شده ریزتر خواهد بود. سنگهای آذرین بیرونی، عموماً بلورهای ریزتری نسبت به سنگهای آذرین درونی دارند.

گاهی سرعت سرد شدن ماگما در طول فرایند انجماد
تغییر می کند. و اندازه بلورها در یک سنگ متفاوت می



نمایش دو نوع بافت در سنگهای آذرین. الف - گرانیت با بافت

در مواردی نادری سرعت سرد شدن و انجماد گدازه ها چنان زیاد است که هیچ گونه بلوری تشکیل نمی شود و در نتیجه سنگ حاصله یک شیشه آتشفشانی، مثل ابسیدین است (شکل زیر) بافت حاصله را «بافت شیشه ای» می گویند.

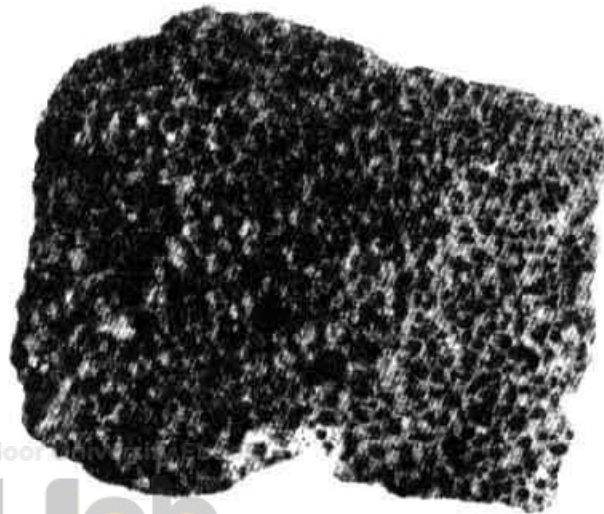


Payam Noor University Ebook

PNUeb

در موردی که سرعت سرد شدن آن قدر زیاد نیست
که شیشه تشکیل شود، سنگ ممکن است متشکل از
دانه های بلوری ریزی باشد که با چشم غیر مسلح
قابل تشخیص نباشند. چنین بافتی
را «آفانتیک» (نهان بلورین) می گویند.

در زمان انجماد سریع گدازه های آتشفشانی، بر اثر خروج گازها، سنگ حاصل ممکن است حفره دار یا اسفنجی شود. چنین بافتی را بافت حفره ای می گویند. شکل زیر سنگ یا نمونه ای از سنگهای دارای بافت حفره ای است.

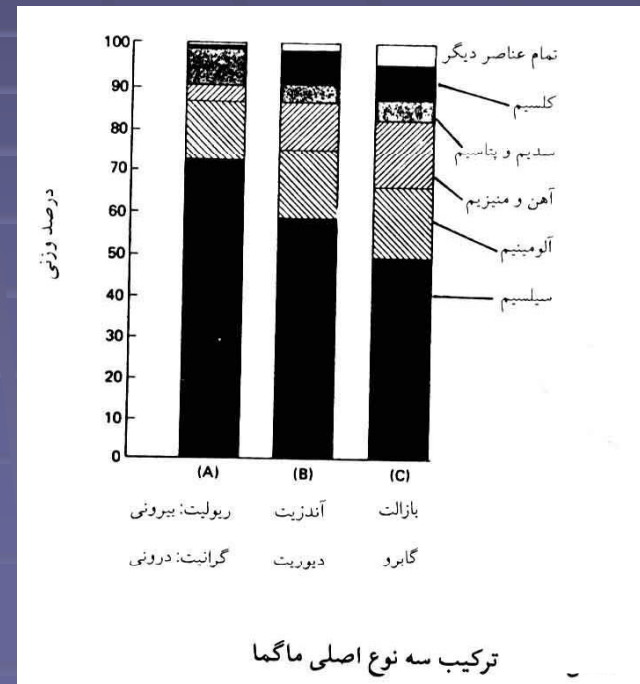


بافت حفره ای در یک

سنگ آذرین بیرونی (اسکوری).

بخشی از مواد خروجی آتشفشان نیز به صورت ذرات جامد (خاکستری و قطعات) از دهانه آتشفشان فوران می کنند. این مواد در محیط های خشکی یا دریا رسوب می کنند و ممکن است به یکدیگر جوش بخورند و بافت های ویژه ای را به وجود آورند که به بافت «آذر آواری» (پیروکلاستیک) معروف اند.

اغلب ماگماها را براساس مقدار سیلیسی (SiO_2) موجود در آنها سه گروه اصلی قرار می دهند (شکل روبرو) که به ماگمای گرانیتی یا اسیدی (حاوی بیش از ۷۰٪ سیلیسی)، ماگمای آندزیتی یا حدواسط (حدود ۶۰٪ سیلیسی) و ماگمای بازالتی یا بازی (حاوی ۵۰٪ با کمتر سیلیسی) معروف اند.



سه نوع سنگ آذرینی را که بیش از همه در پوسته جامد زمین یافت می شود عبارتند از:

بازالتها سنگهای آذرین خروجی اند.

بازالتها از فراوانترین سنگهای آذرین پوسته زمین اند و سنگ اصلی پوسته اقیانوسی را تشکیل می دهند.

گرانیتها: که سنگهای درونی اند.

بعد از بازالتها فراوانترین سنگ آذرین پوسته زمین اند و بخش اعظم پوسته قاره ای دارای ترکیب گرانیتی است.

آندزیت ها: که سنگهای آذرین بیرونی اند.

انواع پورفیریتیک آندزیت نسبتاً فراوان است. آندزیتها همواره به صورت گدازه های خروجی وابسته به توده

های قاره ای هستند.

سنگهای رسوبی بر اثر تجمع و ته نشینی رسوبات
تشکیل می شوند و بیش از ۵۷ درصد سطح
خشکیهای زمین را می پوشانند.

به مجموعه ای فرایندهایی که بر اثر آنها رسوبی
نرم و منفصل به سنگی سخت و یک پارچه تبدیل
می گردد، اصطلاحاً «دیاژنز» می گویند.

سنگهایی را که از حمل و نقل مکانیکی قطعات مجزا
با ذرات آواری حاصل از فرسایش سنگها درست
شده اند به عنوان «سنگهای رسوبی
آوارای» و سنگهایی را که حاصل ته نشینی رسوبات
از محلول هستند به عنوان «سنگهای رسوبی
شیمیایی» طبقه بندی می کنند.

الف- سنگهای رسوبی آورای: از آنجا که سنگهای رسوبی آواری از ذرات و قطعات خرد شده سنگهای قبلی درست شده اند، بنابراین اندازه دانه ها معیاری برای تقسیم بندی آنهاست. بنابراین می توان به سه گروه «کنگومرا» ها، «ماسه سنگ ها» و «گل سنگ» ها آنها را تقسیم بندی کرد.

| سنک آواری | اندازه (میلی متر) | ذره |
|-----------|-------------------|------------|
| کنگومرا | ۲۵۶ یا بزرگتر | قطعه سنک |
| | ۶۴-۲۵۶ | قلوه سنک |
| | ۲-۶۴ | ریگ |
| | ۲-۴ | شن |
| ماسه سنک | ۱ / ۱۶-۲ | ماسه |
| گل سنک | ۲۵۶ / ۱-۱۶ / ۱ | لای (سلیت) |
| | کمتر از ۲۵۶ / ۱ | رسل |

کنگلومرا ها:

کنگلومراها حاصل سنگ شدگی ذرات آواری بزرگتر از ماسه اند (شکل روبرو) ولی ممکن است مقداری مواددانه ریزتر داشته باشند.

نوعی کنگلومرا که از قطعات زاویه دار درست شده است، «برش» خوانده می شود. و جود قطعات و ذرات زاویه دار نشان میدهد که سنگ از منشاء خود چندان دور نشده است.



Payam Noor University Ebook

PNUeb

ماسه سنگها:

ماسه سنگ زمانی تشکیل می شود که ذرات ماسه (۱/۱۶ تا ۲ میلی متر) به سنگ تبدیل شوند (شکل زیر) فروانترین کانی تشکیل دهنده ماسه سنگهای کوارتزاست، ولی کانیهای دیگر نیز ممکن است در آن یافت شود.

ماسه سنگها به چند دلیل از سنگهای رسوبی مهم اند.

۱- حدود ۲۵ درصد کل سنگهای رسوبی را تشکیل می دهند.

۲- اهمیت اقتصادی دارند.

۳- به عنوان ماده خام در صنایع زیادی به کار می رود.

۴- مخازن طبیعی وسیعی را که در آنها نفت، گاز و آب پیدا می شود در دنیا تشکیل می دهند.

۵- بیش از هر سنگ رسوبی دیگری نشانه هایی از تاریخ زمین را در بردارند.

۶- ویژگیهای آنها حاوی اطلاعاتی در مورد محیطهای ته نشینی آنهاست.

گل سنگها:

گل سنگها حاصل سنگ شدگی ذرات گل، یعنی ذرات کوچکتر از ماسه اند.

می توان آنها را دو گروه وسیع تقسیم کرد. اگر درصد ذرات لای بیشتر از رس باشد، «لای سنگ» (سیلتستون) و چنانچه درصد رس بیشتر باشد «سنگ رسی» خوانده می شود. «شیل ها نیز گروهی از گل سنگها هستند که دارای تورق اند.

شیلها فراوانترین سنگ رسوبی اند.

ب – سنگهای رسوبی شیمیایی: سنگهای رسوبی شیمیایی (که حدود ۲۵ درصد سنگهای رسوبی پوسته زمین را می سازد) از مواد محلول ناشی از هوا زدگی تشکیل شده اند.

در این نوع سنگها ترکیب شیمیایی مبنای تقسیم بندی قرار می گیرد.

مهمترین سنگهای رسوبی شیمیایی عبارت از:
کربناتها، چرتها، تبخیرها

کربناتها: کربناتها سنگهای رسوبی شیمیایی دارای یون CO_3^{2-} هستند.

دو سنگ اصلی از این گروه عبارت اند از: سنگ آهک و سنگ دولومیت.

این دو سنگ از نظر ظاهری شبیه به هم اند و غالباً شناسایی آنها با چشم مشکل است.

سنگ آهک، فراوانترین سنگ رسوبی شیمیایی است.

چرتها:

«چرت» ها سنگهایی رسوبی شیمیایی هستند که عمدتاً یا کلاً از دانه های کوارتز میکرو کریستالین یا ریز بلور درست شده اند. چرت ممکن است همراه با سنگ آهک باشد و چون در مقابل هوازدگی پایدار تر است، با هوازدگی سنگ آهک، در سطح آن جمع می شود.

تبخیرها:

تبخیرها سنگهای رسوبی شیمیایی اند که در نتیجه تبخیر از آبهای حاوی نمکها تشکیل شده اند. فراوانترین سنگهای تبخیری عبارت اند از: سنگ گچ آبدار (ژپس)، سنگ گچ بدون آب (ایندریت) و سنگ نمک (هالیت) و تبخیرها بیشتر در نواحی خشک و نیمه خشک، که میزان تبخیر بیش از بارندگی است.

سنگهای دگرگونی:

بر اثر عملکرد گرما و فشار و غالباً در حضور سیالات فعال از نظر شیمیایی، در سنگهای موجود (رسوبی، آذرین یا دگرگونی قبلی) تغییراتی فیزیکی و شیمیایی روی می دهد، که این گونه تغییرات را «دگرگونی» می گویند. حدود ۱۵ درصد از پوسته زمین از سنگهای دگرگونی تشکیل شده اند.

دگرگونی را به چند نوع تقسیم می کنند که
مهمترین آنها عبارتند از:

الف- دگرگونی ناحیه ای: این نوع دگرگونی درجایی رخ
می دهد که حرکات زمین منجر به تغییر شکل سنگها در
یک منطقه وسیعی می شود. دگرگونی ناحیه ای رابط
نزدیکی با کوهزایی دارد.

ب- دگرگونی مجاورتی: این نوع دگرگونی در سنگها
بر اثر نفوذ توده های آذرین در آنها ایجاد می
شود. دگرگونی مجاورتی بیشتر نتیجه تاثیر افزایش دما
در سنگهای مجاورتی توده نفوذی است.

علاوه بر علل فوق عواملی دیگری مثل حرکات شدید و ناگهانی در امتداد گلسها (دگرگونی جنبشی) یا برخورد شهابسنگها با سطح زمین (دگرگومی برخوردی) و عوامل دیگر نیز ممکن است موجب دگرگونی شوند.

در بساری از سنگهای دگرگونی بر اثر فشارهای جهت دار کانیهای ورقه ای و طویل کم و بیش موازی هم قرار می گیرند به همین جهت قرار گرفت کانیها ورقه ای مثل میکاها «فولیاسیون» و هم جهت شدن کانیهای طویل یا سوزنی شکل مثل آمفیبولها «لینه آسیون» می گویند.

مهمترین سنگهای دگرگونی عبارتند از :

سنگ لوح، شیبست، گینس، مرمر،
کوراتزیت، و هورنفس

سنگ لوح:

سنگ لوح (اسلیت) سنگ سخت، ریز دانه و به رنگ سیاه، خاکستری، سبز یا قرمز است. درات گانی در این سنگ آن قدر کوچک اند که به تنهایی با چشم غیر مسلح دیده نمی شود. یکی از خصوصیات این سنگ داشتن رخ سنگی است. به همین جهت برای پوشش سقفها از آن استفاده میشود و در گذشته برای نوشتن مورد استفاده بوده است. سنگ لوح معمولاً نتیجه دگرگونی شیلها و نهشته های رسی است.

شیست:

«شیست» از ذرات کانی بزرگتر از سنگ لوح درست شده است به طوری که با چشم غیر مسلح یا بزرگ نمایی کمی قابل مشاهده است. شیست دارای فولیاسیون کاملاً مشخصی است.

و نتیجه دگرگونی سنگهای مختلف از جمله شیلها و سنگهای رسی است. در درجات کم دگرگونی سنگ لوح تشکیل میشود و با افزایش شدت دگرگونی و بر اثر تغییرات کانی شناسی و تبلور دوباره شیست به وجود می آید.

گنیس:

«گنیس» سنگ دگرگونی دانه درشتی است که ساخت نواری نشان می دهد نوارهای تناوبی از کانیها تیره (بیوتیت و آمفیبول) و کانیهای روشن (کوارتز و فلدسپات) است. بر اثر دگرگونی سنگهای آذرین یا رسوبی ممکن است گنیس ایجاد شود. ناخالصیهای موجود در مرمر ممکن است یک الگوی نواری ایجاد کند که ارزش خالص در سنگهای ساختمانی دارد. مرمرها غالباً دارای فولیاسیون نیستند.

مرمر:

مرمر سنگی دگرگونی و عمدتاً متشکل از کانی کلسیت و گاهی دولومیت است که بر اثر تبلور دوباره سنگهای آهکی به وجود می آید. مرمرها ممکن است دانه ریز یا دانه درشت باشند.

کوارتزیت:

سنگی که عمدتاً متشکل از بلورهای کوارتزی است که تبلور دوباره یافته اند کوارتزیت غالباً حاصل دگرگونی ماسه سنگ کوارتزی است. کوارتزیت سنگی بسیار سخت و متراکم است. این سنگ نیز مانند مرمر معمولاً بدون فولیاسیون است.

هورنفلس:

سنگ سخت متراکم، دانه ریز و بدون فولیاسیون است که بر اثر دگرگونی مجاورتی ایجاد می شود. این سنگ از ذرات کانی ویش هم اندازه ای درست شده است.

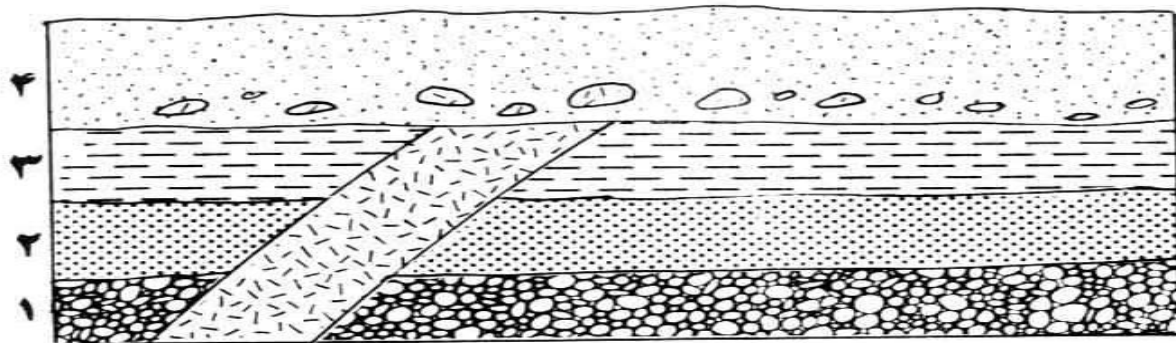
اساساً دوروش کلی برای تعیین سن رویدادهای زمین شناسی، سازنده ها، لایه ها و غیره وجود دارد، یکی «سن نسبی» و دیگری «سن واقعی با مطلق» در تعیین سن نسبی، رویدادهای گذشته زمین به ترتیب وقوع آنها با سازنده های مختلف بر حسب زمان تشکیل آنها، پشت سر هم قرار داده می شود. سن واقعی یا مطلقه نه تنها توالی حوادث بلکه فاصله زمانی واقعی بین آنها و زمان وقوع آنها را (بر حسب سال) مشخص می کند.

Payam Noor University Ebook

PNUeb

یکی از اصول ساده برای تعیین سن نسبی سنگهای رسوبی «اصل برهم نهش یا انطباق» است. بنا به این اصل در ردیفی از لایه های سنگهای رسوبی، که ترتیب اولیه زمان ته نشست خود را حفظ کرده باشند، همواره هر لایه از لایه با لایه خود قدیمی تر و از لایه زیرین جوانتر است.

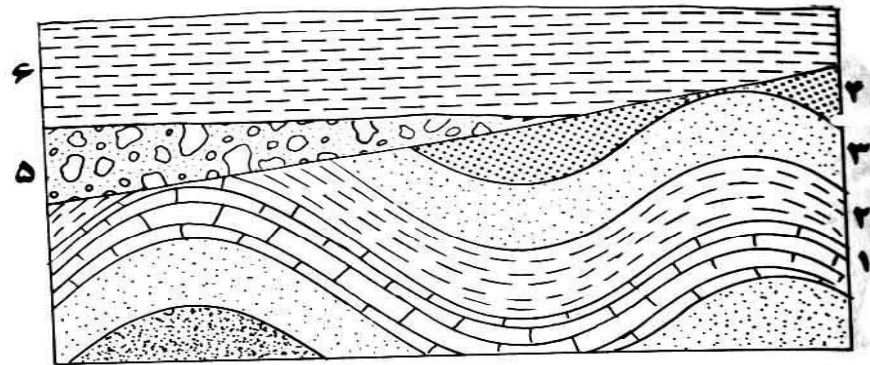
بر اساس اصل فیزیکی ساده دیگر می توان گفت هر جا که یک توده آذرین (مثلا دایک) لایه ها و توده های سنگی دیگر را قطع کرده باشد، از آنها جوانتر است. سنگهای ولایه هایی که توسط گسل قطع شده باشند از گسل قدیمی ترند. طبق اصلی دیگر هر سنگی که حاوی قطعاتی از سن دیگر باشد از آن جوانتر است (شکل روبرو)



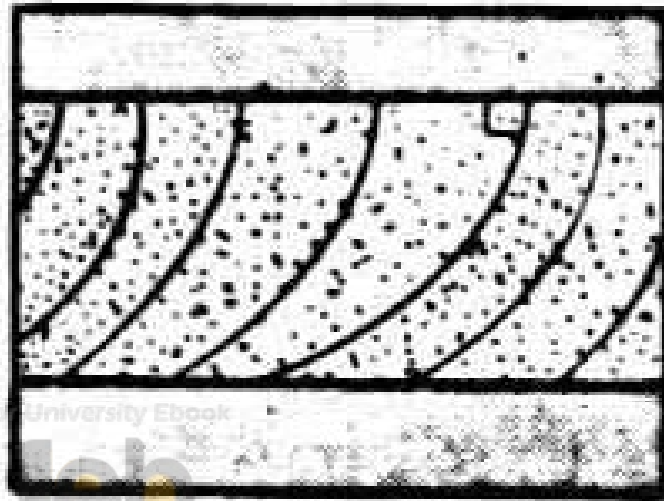
استفاده از چند اصل فیزیکی برای تعیین سن نسبی. توده نفوذی چون لایه های ۱ تا ۳ را قطع کرده از آنها جوانتر است. لایه ۴ چون حاوی قطعاتی است که از لایه ۳ و توده نفوذی فرسایش یافته اند، پس از هر دو آنها جوانتر است.

شکل دیگری از قطع شدگی لایه ها را در دگرشیبی ها (ناپیوستگیهای زاویه دار) می توان مشاهده کرد. در دگرشیبی های لایه های رسوبی جوانتر بر روی لایه های چین خورده قدیمی تر قرار گرفته است.

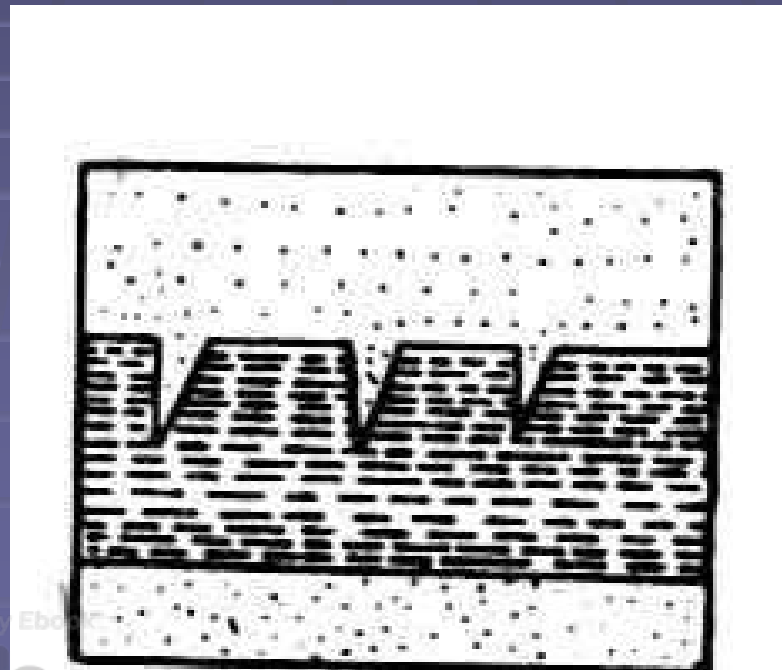
هر گونه انقطاع اساسی در تداوم رسوب گذاری ردیفی از سنگهای رسوبی با قطع شدگی بین سنگهای آذرین و دگرگونی با سنگهای رسوبی جوانتر را ناپیوستگی می گویند. (شکل روبرو)



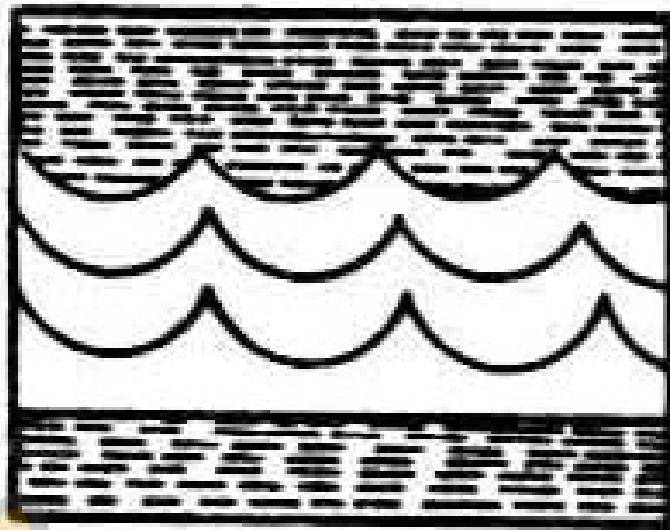
لایه بندی متقاطع: نوعی ساخت در سنگهای رسوبی که در آن لایه ها نسبت به سطوح اصلی چینه بندی به صورت مایل قرار گرفته اند. لایه های متقاطع در قسمت زیر با کف لایه مماس اند، ولی در سقف لایه با شیب زیاد نسبت به لایه فوقانی قرار گرفته اند.



ترکیبهای گلی: ترکهایی است که در سطح فوقانی رسوبات دانه ریز به ویژه رسوبات رسی ایجاد می شود. این ترکها رو به بالای لایه باز می شوند.

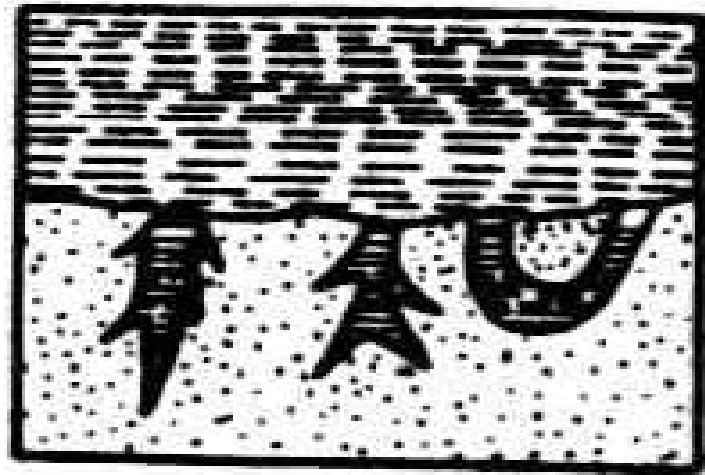


اثر موجی (ریپل مارک) نوسانی: اثرهای موجی
مقارنی که بر اثر پس و پیش رفتن امواج در
رسوبات نرم بستر رودخانه یا اعماق کم دریا ایجاد
می شود، قله نوک تیز آنها جهت بالای لایه را
مشخص می کند.

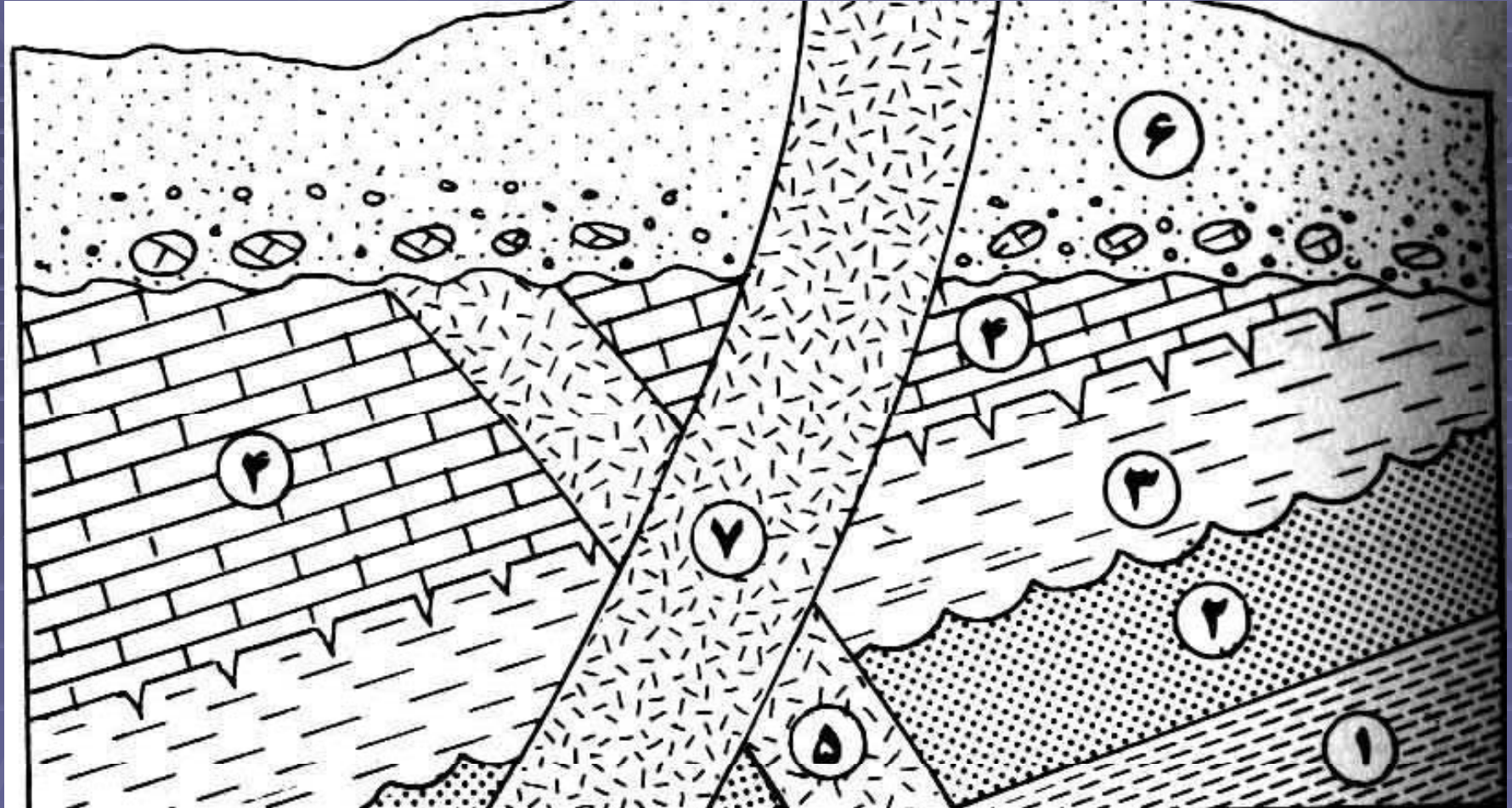


دانه بندی تدریجی:

در زمان رسوبگذاری لایه ای از رسوبات آواری، ذرات درشت تر ابتدا رسوب میکنند و به طرف بالای لایه به تدریج ریزتری می شوند.

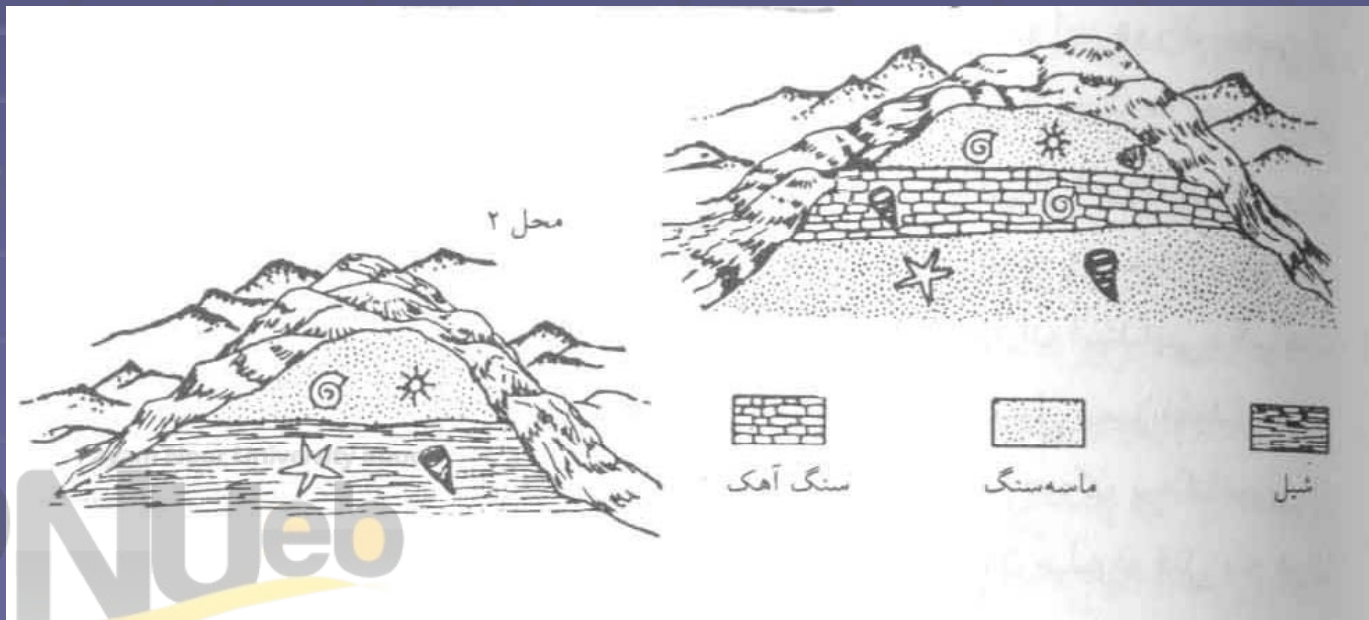


نشانه های بسیار دیگری، مثل آثار ریشه درختان، پرشدگی حفراتی که توسط جانوران حفر در سطح لایه های ایجاد می شود، جهت قرار گرفتن صدفها، جای پای خزندگان، آثار قطرات باران و غیره نیز، برای تشخیص جهت بالا و پائین لایه به کار می رود.



رویدادها و شرایط غالب در یک فاصله زمانی معین را در نقاط مختلف مشخص کنیم. این کار با استفاده از لایه ها، یا چنان که مصطلح تر است چینه ها سنگهای رسوبی، انجام می گیرد. ما باید بتوانیم چینه خاصی را، که در یک فاصله زمانی معین تشکیل شده است، در موقعیتهای مختلف تعیین کنیم. این عمل را «همبستگی» یا ارتباط چینه شناختی، می گویند.

فسیلهای موجود در لایه های رسوبی مطمئن ترین نشانه های همبستگی چینه شناختی اند.



زمین شناسان بر اساس بررسی مجموعه های
فسیلی موجود در سنگهای، زمین شناسان تاریخ
عمر زمین را به چهار دوران تقسیم کرده
اند. دوره «پره کامبرین» قدیمی ترین دوران
است که با تشکیل زمین آغاز می شود.
اولین اشکال زندگی در این دوران ظاهر شده
اند.

دوران پره کامبرین از پیدایش زمین (تقریباً
۶/۴ میلیارد سال پیش) تا حدود ۵۷۰ میلیون
قبل به دراز کشیده است.

دوران «پالئوزوئیک» (دیرینه زیستی) بعد
از پره کامبرین می آید.
و دوران غلبه بی مهرگان است. در این دوره
ماهیها و گیاهان خشکی برای اولین بار ظاهر
شده اند.

دوران پالئوزوئیک تقریباً از ۵۷۰ میلیون تا
۲۲۵ میلیون سال پیش ادامه داشته است.

دوران «موزوئیک» (میانه زیستی)، که
پس پالئوزوئیک می آید. دوران تسلط
خزندگان بوده است. در خلال این
دوران دایناسورهای بزرگ جثه دریا
طلاقها و دشتهای قاره ها ساکن بوه
اند.

دوران مزدنیك از تقریباً
۲۲۵ میلیون سال پیش
شروع و در حدود ۶۵ میلیون
سال پی خاتمه یافته است.

دوران «سنوزوئیک» (نوزیستی) آخرین
وجدیدترین دوران زمین شناسی
است، که تا امروز ادامه دارد. در این
دوران پستانداران غلبه پیدا کرده
گیاهان گلدار در این دوران توسعه
زیادی پیدا کرده اند. انسان در اواخر
دوران سنوزوئیک ظاهر شده است.

دورانهای زمین شناسی را به فواصل زمانی کوتاهتری، به نام «دوره» تقسیم میکنند. پالئوزئیک به ۶ (در مناطقی ۷)، مزوزوئیک به ۳ و سنوزوئیک به ۲ دوره تقسیم می شوند.

دوره ها را نیز به تعدادی «دور» تقسیم می کنند. این سیستم زمان سنجی از دورانها، دوره ها، دورها، و تقسیمات کوچکتر را «مقیاس زمان زمین شناسی» می نامند.

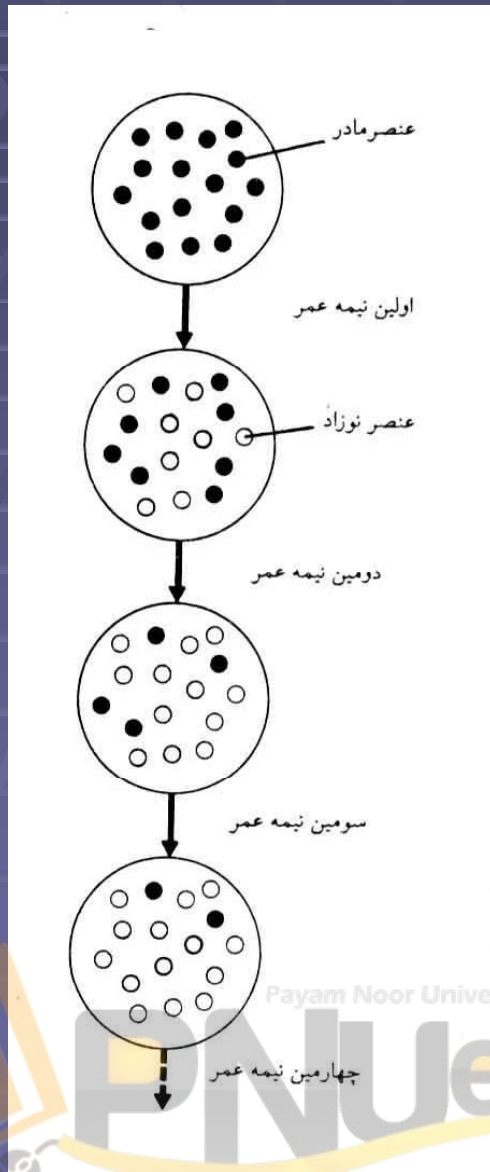
مقیاس زمان زمین شناسی استاندارد

| میلیون سال قبل | فواصل زمانی نسبی دورانها | دورانها | دوره (فواصل زمانی به میلیون سال) | میلیون سال |
|----------------|--------------------------|------------|----------------------------------|------------|
| فانرو | سنوزوئیک | سنوزوئیک | کواترنری (۲/۵) | ۲/۵ |
| | مزوزوئیک | | ترسیب (۶۲/۵) | ۶۵ |
| | پالئوزوئیک | | کرتاسیه (۷۱) | ۱۳۶ |
| پره کامبرین | | مزوزوئیک | ژوراسیک (۵۴) | ۱۹۰ |
| | | | تریاس (۳۵) | ۲۲۵ |
| | | | پرمین (۵۵) | ۲۸۰ |
| | | | کربنیفر (۶۵) | ۳۲۵ |
| | | | دوتین (۵۰) | ۳۹۵ |
| | | پالئوزوئیک | سیلورین (۳۵) | ۴۳۰ |
| | | | اردوین (۷۰) | ۵۰۰ |
| | | | کامبرین (۷۰) | ۵۷۰ |
| | | | | |
| | | | | |

پس از کشف خاصیت رادیواکتیویته (پرتوزایی)
راه دقیقی برای تعیین سن سنگها و
رویدادهای زمین شناسی و عمر زمین به دست
آمد.

اساس این روش این است که عناصر شیمیایی
معینی بر اثر واپاشی یا تجزیه رادیواکتیو
سرانجام به عنصر دیگری تبدیل می شوند. این
عناصر را عناصر رادیواکتیو می خوانند.

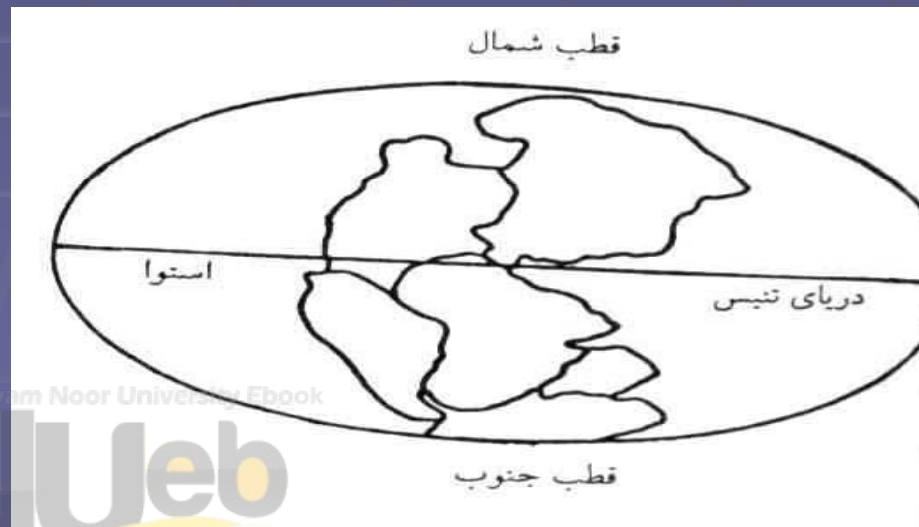
با توجه به نحوه واپاشی مواد رادیواکتیو، یک واحد زمانی جدید، به نام «نیمه عمر» (شکل روبرو) نیمه عمر عبارت است از زمان لازم برای آن که نیمی از جرم نمونه رادیواکتیو واپاشیده شود. این واحد زمانی در چرخه های واپاشی بعدی نیز همچنان ثابت می ماند.



تعیین سن با استفاده از مواد رادیواکتیو از دو راه تاثیر بزرگی بر علم زمین شناسی بجای گذاشته است. اول که مقیاس زمان زمین شناسی، مورد بازنگری قرار گرفت. دوم آن که بررسیهای رادیواکتیو امکان روشن شدن تاریخ زمین در دوران طولانی پره کامبرین را فراهم کرده است.

شواهد مختلف زمین شناسی نشان می دهد که قاره ها در محل خود ثابت نیستند، بلکه در طول زمان به کندی نسبت به هم حرکت می کنند. این نظریه و شواهد زمین شناسی دیگر سرانجام منجر به پیدایش «نظریه زمین ساخت ورقی» شد که امروز به عنوان مدلی برای توضیح بسیاری از رویدادهای زمین شناسی مورد قبول تقریباً همه زمین شناسان است.

اولین تعریف جدی در مورد جابه جایی قاره ای (شناوری یا رانش قاره ای) را به دانشمند آلمانی «آلفرود و کتر» نسبت می دهند، بر اساس این تئوری تمام قاره های فعلی زمانی در کنار یکدیگر قرار داشته و یک قاره بزرگ یا ابر قاره تشکیل می داده اند. این ابر قاره را «پانگ» نامیده اند. شکل زیر پانگه آ نیز شامل دو قسمت بود، که قسمت جنوبی آن «گندواوانا» قسمت شمالی آن «لورازیا» خوانده می شود.



Payam Noor University Ebook

PNUeB

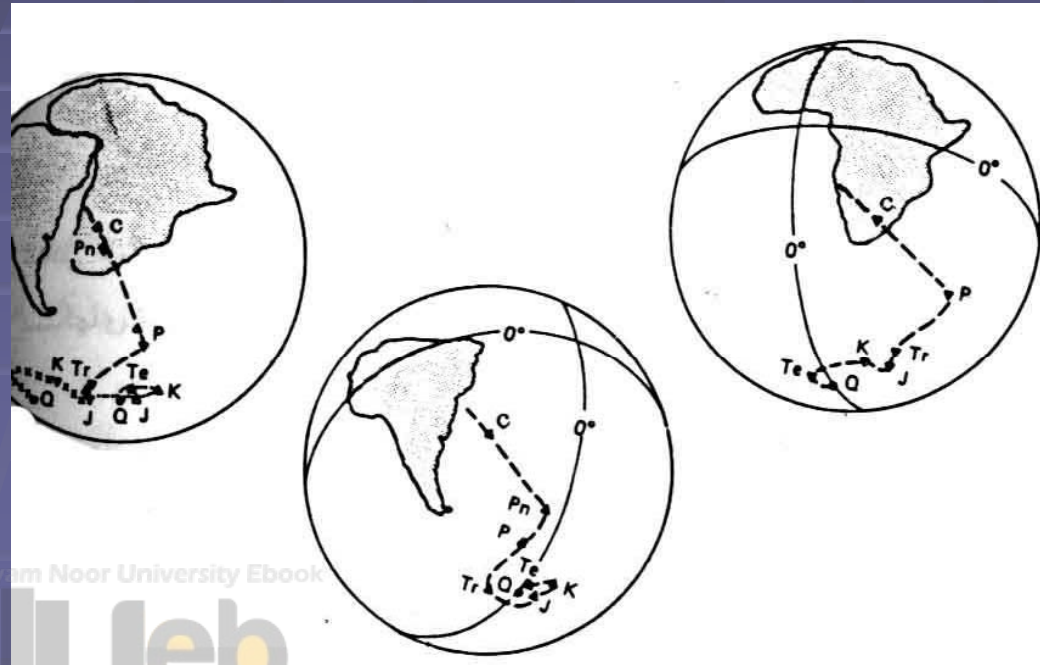
وگنر برای نظریه خود شواهدی نیز
ارائه داد. از جمله اوبه شباهت بین
خطوط ساحلی قاره ها و انطباق بین
سازندهای سنگی، شواهد فسیل
شناسی، دلایل ژئوفیزیکی و اقلیم
شناسی دیرینه اشاره می کند.

مطالعه میدان مغناطیسی گذشته زمین را
مغناطیس دیرین یا دیرینه مغناطیس می
گویند. مغناطیس باقی مانده (مغناطیس پس
ماند) موجود در کانیهای فرومغناطیس
نیز میتواند وضعیت میدان گذشته زمین را برای
مارویشن سازد. بهترین گواه بر مغناطیس پس
ماند از سنگهای آتشفشانی به دست
میآید. گواه بر مغناطیس پس ماند از سنگهای
آتشفشانی به دست می آید.

ما می توانیم با برداشتن نمونه
های سنگ از نقاط مختلف با
استفاده از مغناطیس پس ماند
موجود در سنگها قطبین مغناطیسی
گذشته زمین را به دست آوریم.

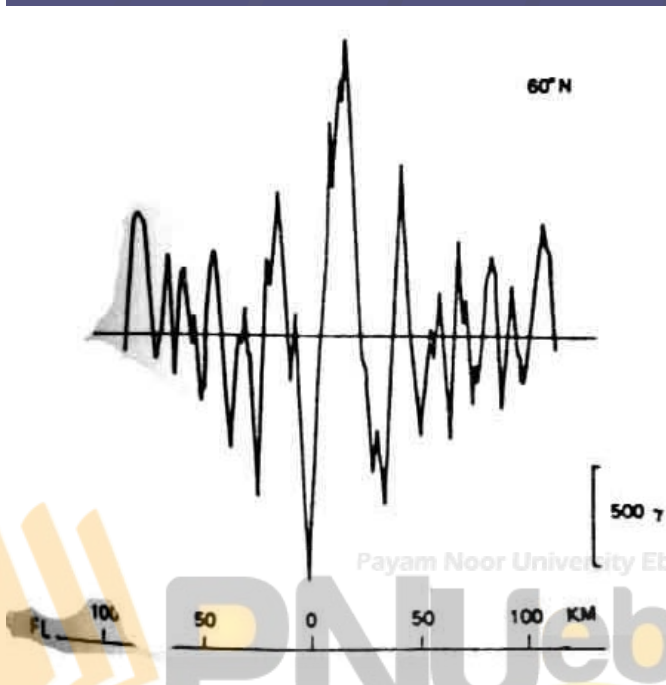
مطالعات مغناطیس دیرین همچنین نشان می دهد که زاویه میل و انحراف مغناطیس اندازه گیری شده در سنگهای قدیمی در سنگهای نزدیک به هم ولی به سنین مختلف با هم متفاوت اند. این موضوع نشان می دهد که قطبها نسبت به یک قاره در طول زمان شناسی تغییر محل داده اند.

این نتایج منجر به پیدایش نظریه «سرگردانی قطبی» شده است. اگر موقعیت قطبها را در دوره های مختلف زمین شناسی برای یک قاره معین رسم کنیم مسیر حرکت قطب مغناطیسی نسبت به آن قاره به دست می آید که به آن منحنی سرگردانی قطبی می گویند (شکل زیر) این گونه منحنی ها در واقع نشان می دهد که چگونه موقعیت قطبهای جغرافیایی نسبت به قاره تغییر کرده است.



بررسیهای مغناطیسی دیرین نشان می دهد که جهت میدان مغناطیسی زمین بارها معکوس یا واژگون شده است. عقربه های قطب نمایی که در میدان مغناطیسی امروزی زمین متوجه شمال است در زمان واژگونی میدان مغناطیسی متوجه جنوب بوده است. این موضوع با مطالعه پس ماند در سنگهای پسته ها اقیانوسی بدست آمده است. علت اینکه میدان مغناطیسی زمین هر چند مدت یکبار خود را واژگون می کند، هنوز روشن نیست.

بأبرسيهآ مغناطيسي در اقيانوسها واقعيآ ديگري نيز روشن شد. اندازه گيريها، ناهنجاريها به آنوماليهاى مغناطيسي بيشر اقيانوسها را نشان داد. بايآده شده ناهنجاريها مغناطيسي بر روى نقشه، ژئوفيزيكدانان متوجه شدند كه اين ناهنجاريها الگوى نوارى خاصى را نشان مي دهند. نوارهاى تقريبا به صورت موازى قرار گرفته اند و متناوباً ناهنجاريهاى مثبت و منفي نشان مي دهند

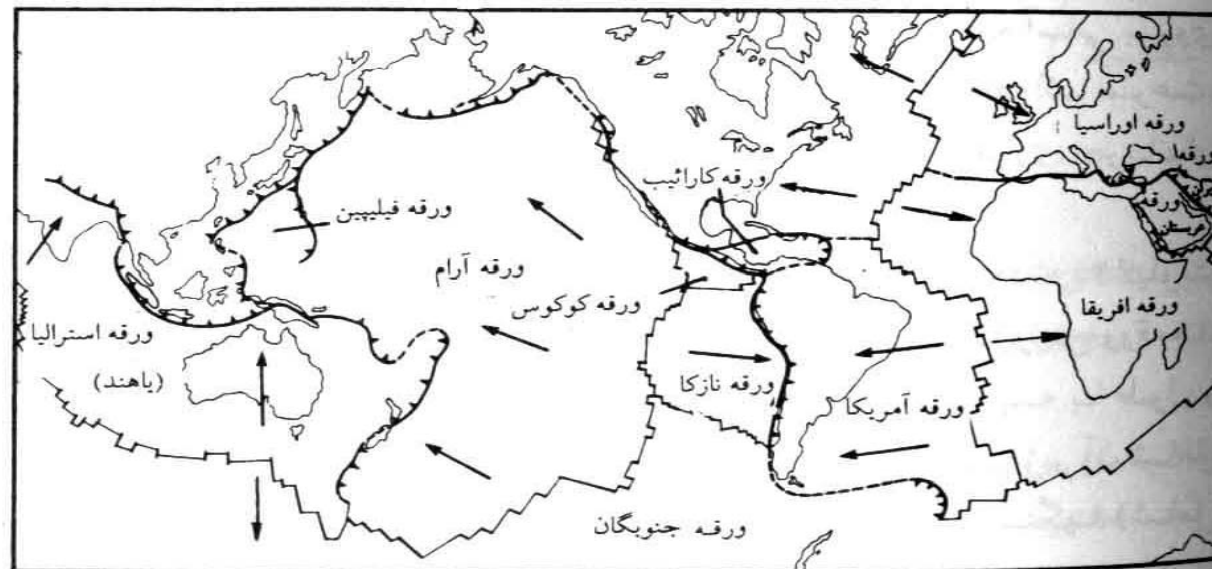


اگر سنگ در زمانی مغناطیسی شده باشد که جهت میدان مغناطیسی عادی بوده، مغناطیس پس ماند موجود در سنگ بر شدت میدان مغناطیسی فعلی افزوده می شود و در نتیجه ناهنجاریهای مثبت ایجاد می گردد. و در صورتی که سنگ در زمانی مغناطیسی شده باشد که جهت میدان مغناطیسی زمین واژگون بوده در این صورت مغناطیس پس ماند موجود در سنگ در جهت عکس میدان مغناطیسی فعلی زمین بوده و یک ناهنجاری منفی ایجاد می کند.

طبق نظریه «زمین ساخت ورفی» یا «تکنونیک صفحه ای» کل بخش خارجی زمین، به نام سنگ کره یا لیتوسفر، از تعدادی ورقه (صفحه) مجزا درست شده که این ورقه ها نسبت به حرکت می کنند.

ورقه های سنگ کره را «ورقه های بی زلزله» نیز می خوانند، چون در بخشهای میانی آنها به ندرت زلزله ای رخ می دهد و به عکس حاشیه ورقه ها با لرزه خیزی زیاد مشخص می شود.

سنگ کره از شش ورقه بزرگ و تعداد ورقه های کوچکتر درست شده است. (شکل زیر)

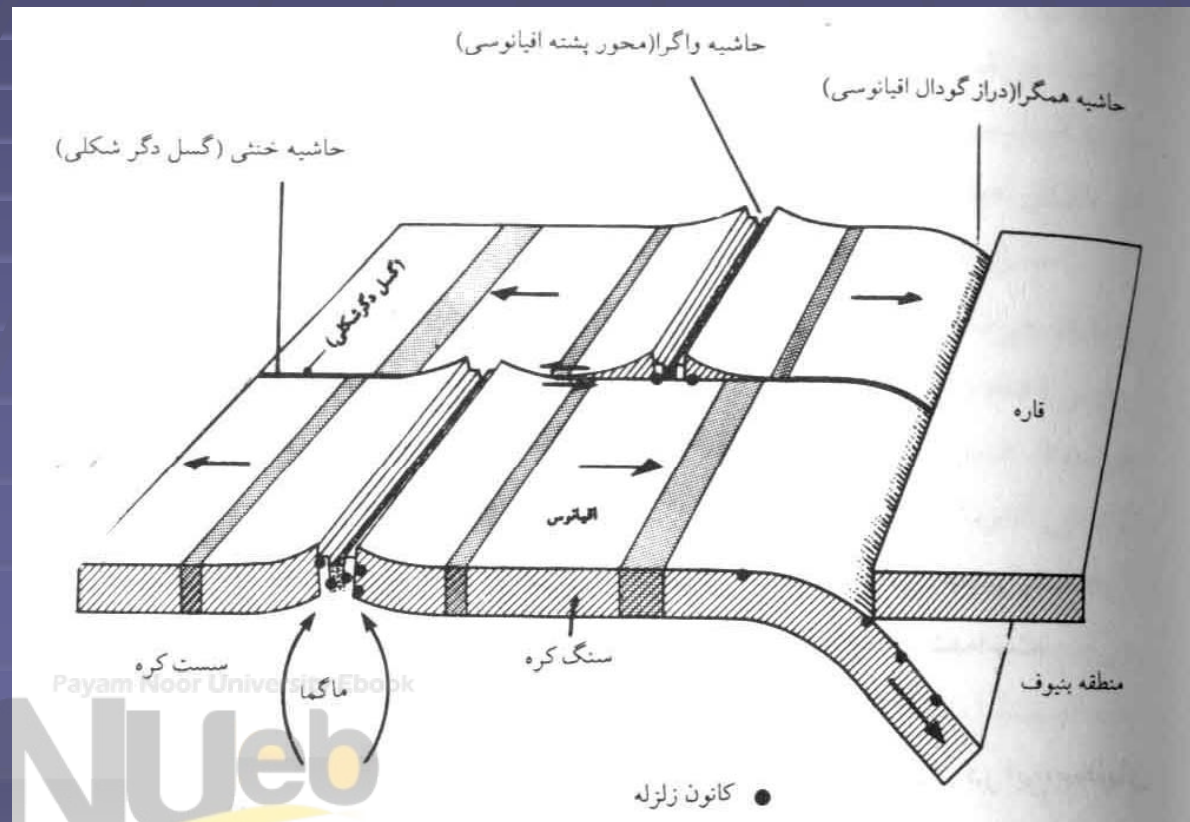


- حاشیه نامشخص ورقه ها
- حاشیه همگرا
- ~~~~~ پشته های اقیانوسی
- > جهت حرکت ورقه ها

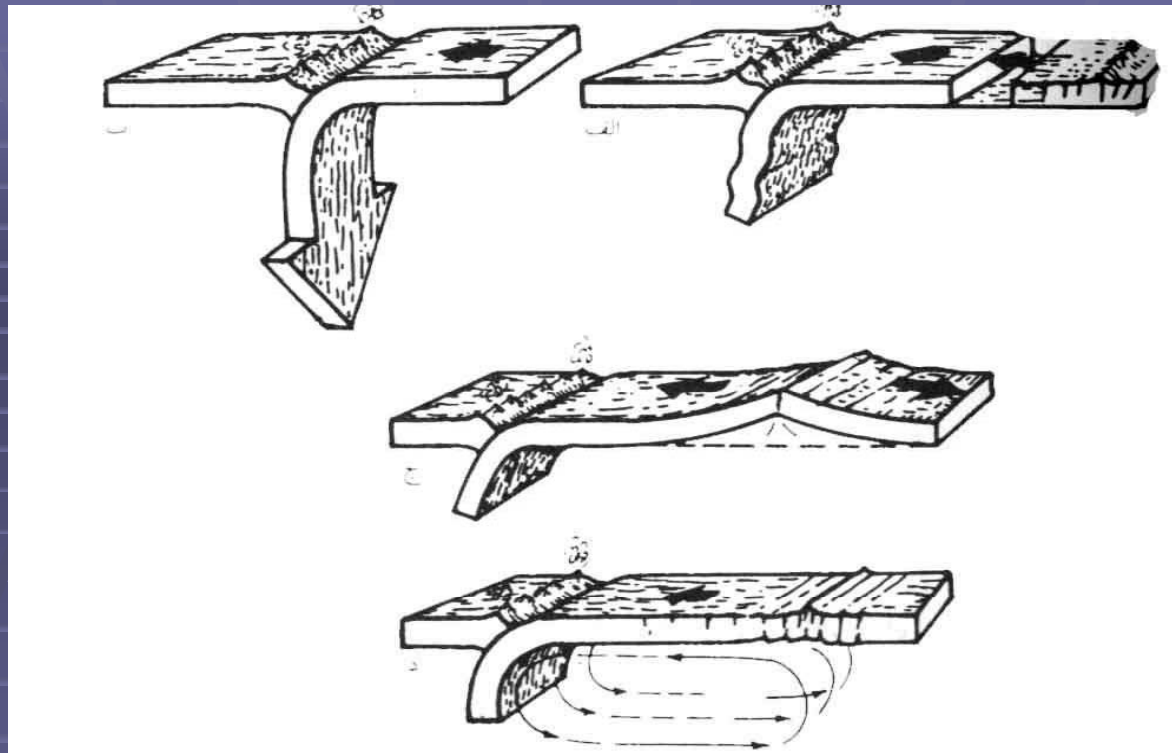
شکل ۲۵- ورقه های اصلی سنگ کره. پیکانها جهت های حرکت ورقه ها را نشان می دهند.

تمام ورقه ها در حال حرکت اند، برخی تندتر
و برخی کندتر. برای آن که ورقه ها بتوانند حرکت
کنند باید منطقه ای در زیر آنها وجود داشته باشد،
که اگر هم مذاب نباشد، باید به قدر کافی حالت
خمیری (پلاستیک) و شکل پذیر داشته باشد تا ورقه
ها بتوانند بر روی آن بلغزند.

ورقه های سنگ کره در بعضی از نقاط از هم دور می شوند و سنگ کره در حال کسترش است (حاشیه واگرا)، در برخی نقاط به هم برخورد می کند (حاشیه همگرا) و در نقاط دیگری از کنار هم می لغزند (حاشیه خنثی) (شکل روبرو)



به حاشیه های واگرا حاشیه های سازنده نیز می گویند.
حاشیه های همگرا را به دلیل آن که در محل برخورد آنها
پوسته از بین می رود حاشیه های مخرب نیز می گویند.
در امتداد حاشیه های خنثی حاشیه های واگرا پوسته
جدیدی ساخته می شود و نه مثل حاشیه های همگرا پوسته
از بین می رود. بلکه کسل ایجاد می شود.



- چهار مکانیسم برای حرکت ورقه ها پیشنهاد شده است.
- ۱- فشار از طرف پشته های اقیانوسی
 - ۲- کشش ناشی از ورقه پایین دنده سردتر در منطقه فرورانش
 - ۳- لغزش به طرف پائین، در امتداد در دامنه پشته های اقیانوسی، بر اثر نیروی گرانی
 - ۴- وجود سلولهای کنوکسیونی در زیر ورقه ها.

زمین لرزه:

عبارت است از حرکات و لرزشهای ناگهانی و گذرا در زمین که از ناحیه محدودی منشاء می گیرد و از آنجا در تمام جهات منتشر می شود. که به آنها امواج الاستیک می گویند.

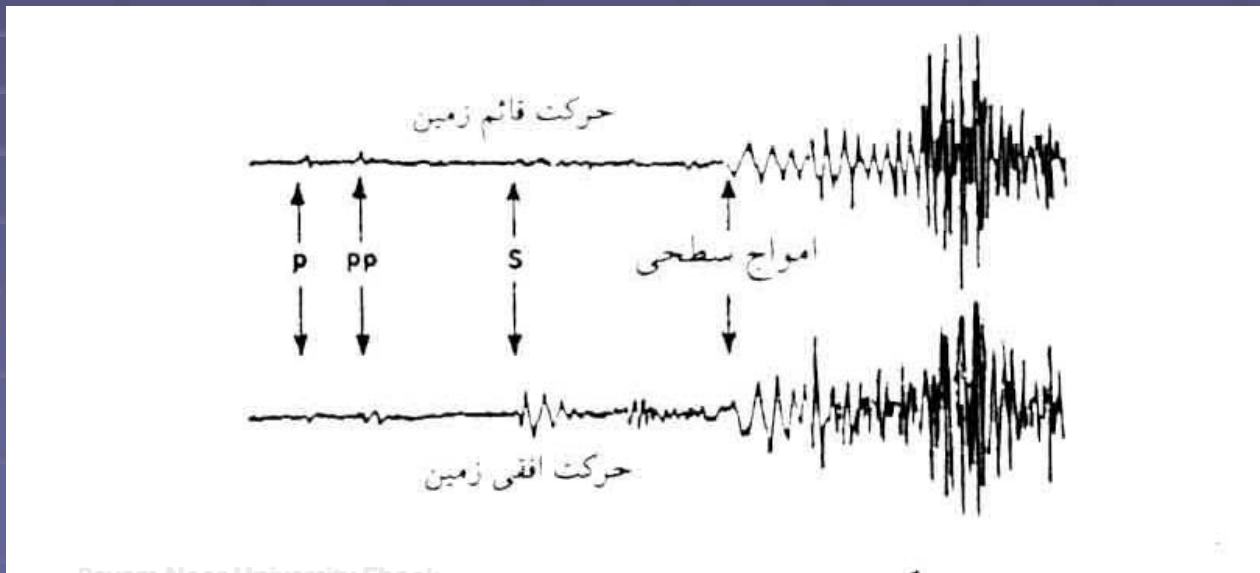
امروزه برای بررسی لرزشهای زمین و امواج لرزه ای از دستگاههای لرزه نگار استفاده می شود. دستگاههای لرزه نگار جدید، که قادر به ثبت امواج لرزه ای هستند، در سال ۱۸۹۷، به وسیله یک لرزه شناس انگلیسی به نام «جان میلن» اختراع شد.

لرزه نگارها طوری طراحی می شوند که تنها یک مولفه حرکت زمین را اندازه گیری کنند. اگر بخواهیم حرکات زمین را به طور کامل اندازه گیری کنیم. به سه لرزه نگار احتیاج داریم. این سه لرزه نگار که سه مولفه عمود بر هم حرکت زمین را ثبت می کنند. تصویر کاملی از حرکت زمین به دست می دهند.

ارتعاشات زمین معمولاً به صورت منحنی هایی
بر روی کاغذ رسم می شود، که به آن
«لرزه نگاشت» می گویند.

دستگاههای لرزه نگار به طور مداوم در حال
کارند. بنابراین در فاصله بین زمین لرزه ها بر
روی لرزه نگاشت خط ممتدی رسم می شود
که امواج خیلی کوچکی را نشان می دهد. این
ارتعاشات کوچک را «که لرزه» (میکروسیسم)
می گویند.

در لرزه نگاشتها، چند گروه از امواج قابل تشخیص اند
(شکل زیر) این امواج عبارت اند از :
امواج طولی یا اولیه (P)، امواج عرضی یا ثانویه (S) که
به دنبال امواج طولی می آیند و سرانجام امواج سطحی
که پس از دو موج قبلی می آید.



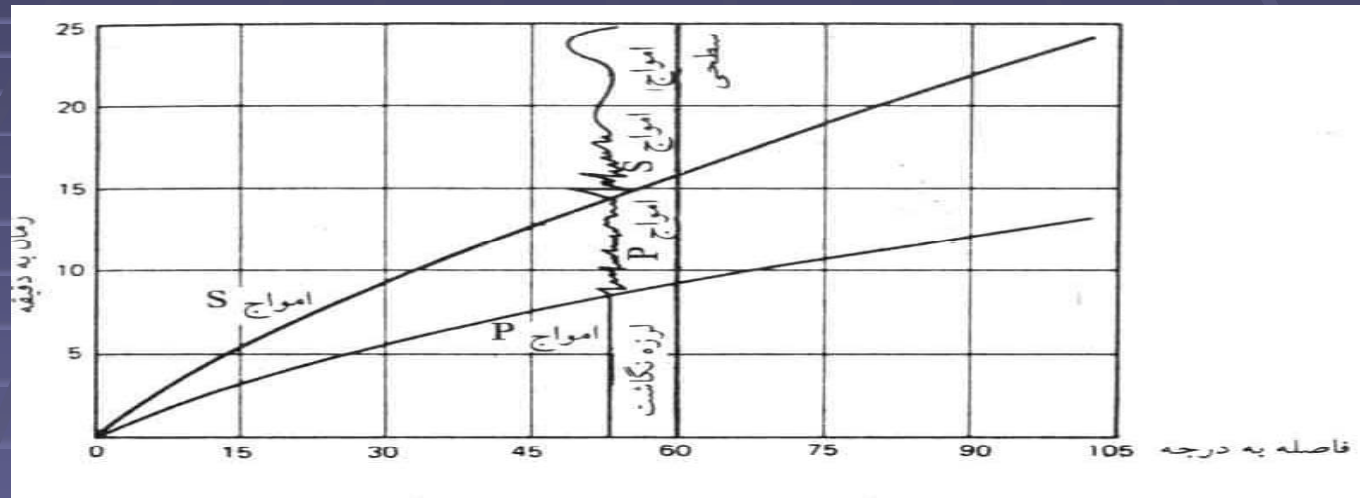
موجهای سطحی خود بر دو نوع اند که عبارت
اند از:

امواج لاو، LO2، که موجب ارتعاش ذرات به
موازات سطح افق وعمود بر جهت انتشار
می شوند و امواج ریلی، LR3، که سبب حرکت
ذرات ماده، در صفحه قائم به صورت دایره ای
می شود که جهت حرکت آنها نسبت به جهت
انتشار به صورت قهقرای است.

با رسیدن ارتعاش یک زمین لرزه بزرگ دور به نقطه ای از زمین، ابتدا زمین بیشتر به بالا و پایین حرکت می کند. این حرکات ناشی از همان امواج طولی، P هستند و پس از چند دقیقه فعالیت امواج عرضی (S) است که حرکت آن عمدتاً در جهت عمود بر حرکت P است. به دنبال S, P که نسبتاً به طور ناگهانی شروع می شوند، امواج دیگری می آیند امواج سطحی هستند.

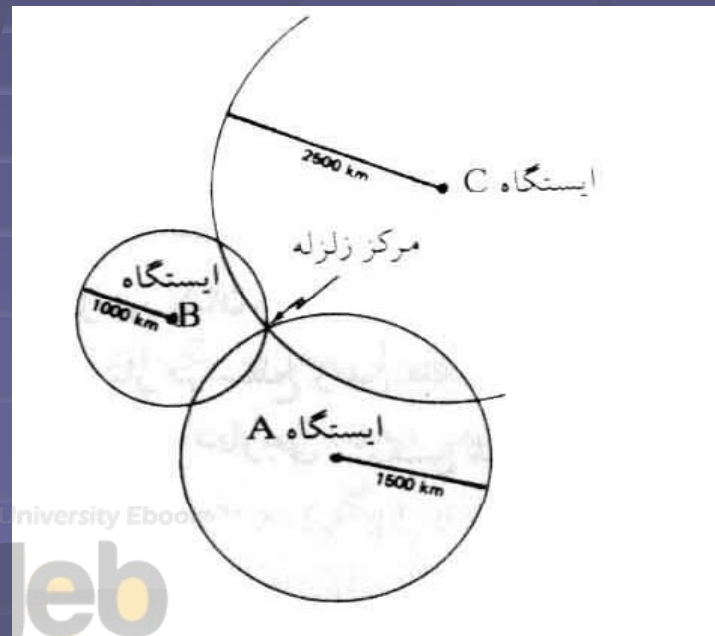
ناحیه ای را که زلزله از آنجا منشاء گرفته «کانون» زلزله می گویند. ما می توانیم موقعیت کانون را با تعیین موقعیت یک نقطه در سطح زمین که دست در بالای آن قرار گرفته و مشخص کردن عمق آن تا سطح زمین توصیف کنیم. این نقطه سطحی را «مرکز» (اپی سانتر) زلزله می گویند.

یکی از راهها تعیین مرکز زلزله به روش S-P است. این روش در شکل زیر نشان داده شده است P, S را در روی لرزه نگاشتهای حداقل سه ایستگاه لرزه نگاری تشخیص داد.

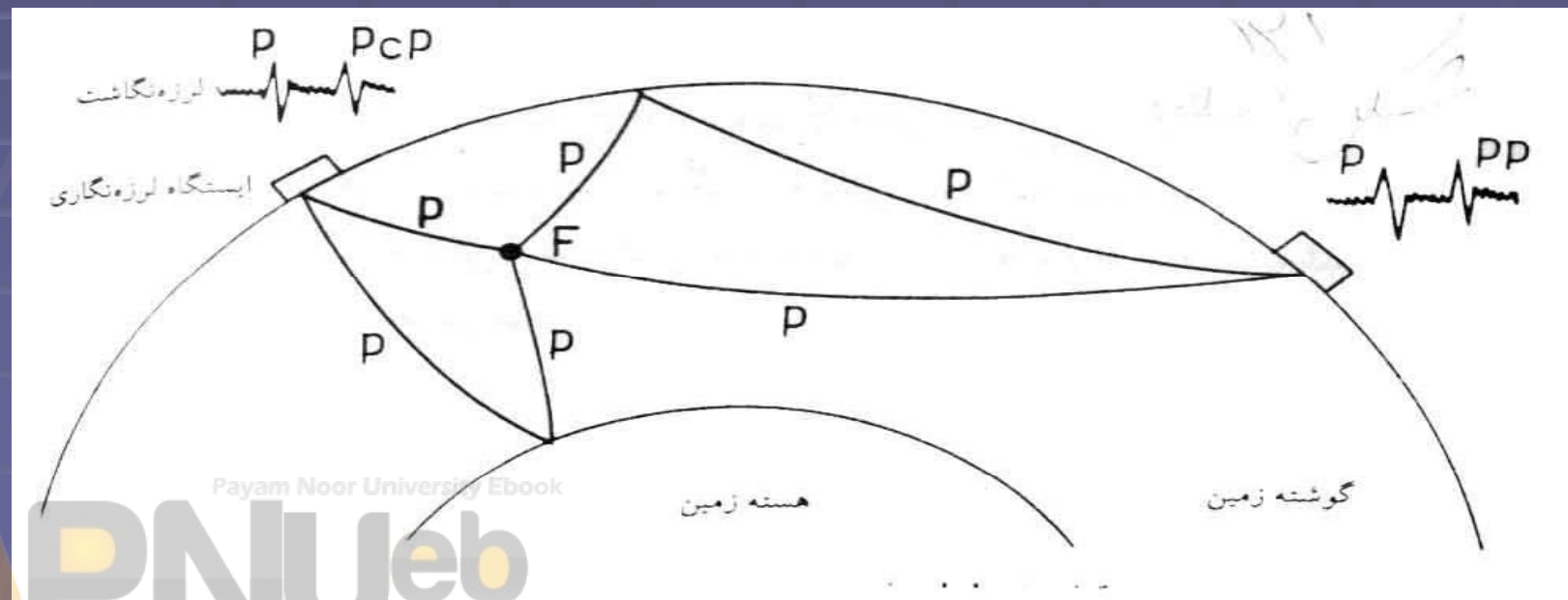


آن گاه باید تعیین کرد که موج S چه مدت بعد از موج P به ایستگاه وارد شده است. اختلاف زمان بین رسیدن دو موج در روی منحنی های زمان سیر به مرکز زلزله از یک لرزه نگار را با توجه به منحنی های زمان سیر به دست آورد.

برای تعیین موقعیت مرکز زلزله باید حداقل فاصله مرکز زلزله از سه ایستگاه معلوم باشد و بر روی یک نقشه دایره ای به مرکز ایستگاه لرزه نگاری و به شعاع فاصله بین ایستگاه و مرکز زمین لرزه رسم می کنیم. مرکز زلزله باید در جایی روی پیرامون دایره قرار گیرد. با رسم دایره ای مشابه برای دیگر ایستگاههای لرزه نگاری، که زلزله را ثبت کرده باشند. یک نقطه تقاطع به دست می آید که موقعیت مرکز زلزله را مشخص می کند. (شکل زیر)



اندازه گیری عمق کانون زلزله بسیار مشکلتر از تعیین موقعیت مرکز سطحی آن است. برای این کار اختلاف زمان رسیدن فازهای موج P را، که مسیرهای مختلفی در درون زمین طی کرده اند، مورد استفاده قرار می دهند. بنابراین با اندازه گیری فاصله زمانی رسیدن به دو فاز و با دانستن تغییرات سرعت نسبت به عمق زلزله قابل محاسبه است.



زمین لرزه هایی را که به طور غیر عادی عمیق اند، به چند طریق می توان تشخیص داد. اولاً امواج سطحی این زلزله ها به طور غیر معمولی ضعیف اند. ثانیاً زلزله در منطقه خیلی وسیع احساس می شود بالرشهائی که تقریباً در تمام نقاط به یک اندازه شدید است.

در زلزله های کم عمق معمولاً شدت تکانها به سرعت از مرکز زلزله می یابد.

منشاء اکثر زمین لرزه ها در اعماق کمتر از ۷۰ کیلومتری است که به انها زمین لرزه های کم عمق می گویند. زمین لرزه های به عمق ۷۰ تا ۳۰۰ کیلومتری، زمین لرزه های با عمق متوسط و بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر را زمین لرزه های عمیق می خوانند. لرزه شناسان دریافته اند که تقریباً تمام زمین لرزه های متوسط و عمیق از مناطق موازی یا دراز کودالهای اقیانوسی منشاء گرفته اند.

برای آن که بتوان اندازه و قدرت زلزله های مختلف را با هم مقایسه کرد و از دو اصطلاح شدت و بزرگی زلزله استفاده می شود.

«شدت» زمین لرزه، اصطلاحی است که اثر یک زمین را در محلی معین بر روی انسان، ساختمانها و بر سطح زمین نشان می دهد.

«بزرگی» زمین لرزه سنجش مطلق اندازه آن است که به میزان انرژی آزاد شده بستگی دارد و به محل وقوع آن وابسته نیست.

بنا به تعریف اولیه ریشتر،
بزرگی زلزله (M) عبارت است از
لگاریتم بزرگترین دامنه موج (a)،
بر حسب میکرون، که توسط یک لرزه
نگار استاندارد در فاصله ۱۰۰ کیلومتری
مرکز زلزله ثبت شده باشد.

مقیاس ریشتر مقایس لگاریتمی است. بنابراین
اعداد صحیح متوالی در این مقیاس نشان
دهنده افزایش دامنه موج اندازه گیری شده،
با یک ضریب ۱۰ است. مثلاً دامنه موج زمین
لرزه ای که بزرگی آن ۵ است ده برابر بزرگتر
از زمین لرزه ای با بزرگی ۴ است.

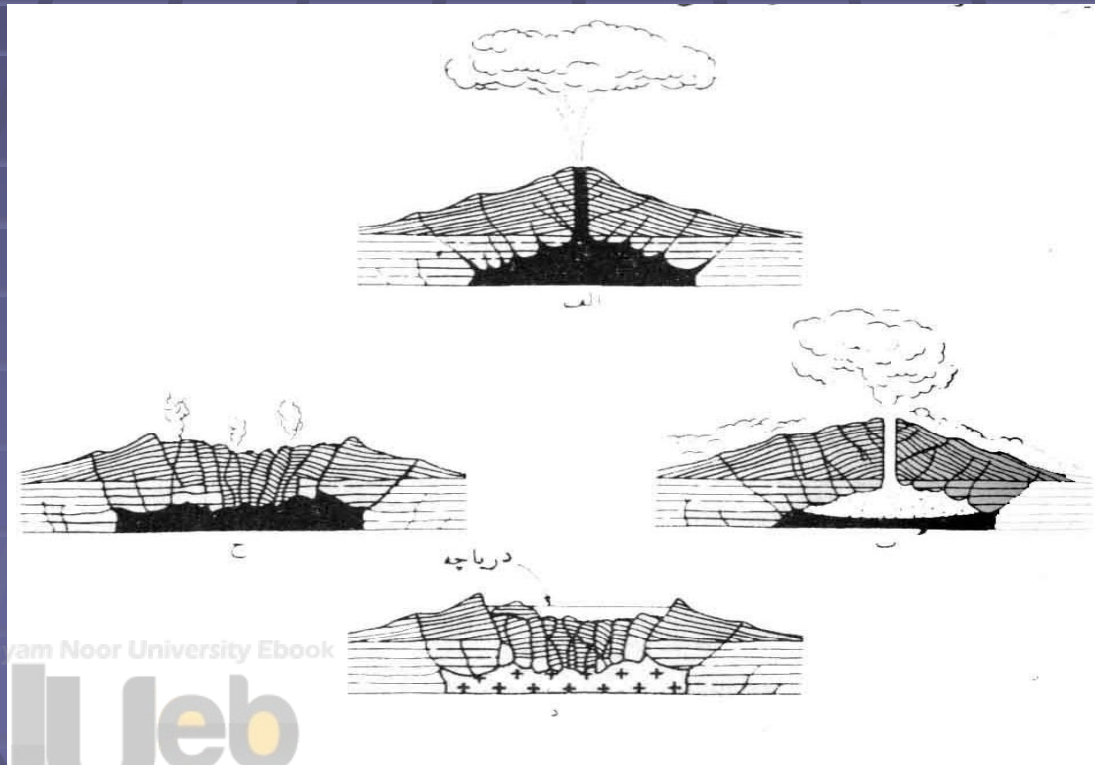
یک سیستم از مجاری به هم پیوسته در داخل آتشفشان وجود دارد. مجاری و شکستگیهای به هم پیوسته از یک مجرای مرکزی منشعب می شود (محفظه ماگما) ادامه یافته است. مجرای را که از آنجا مواد آتشفشانی به سطح زمین می رسند، اصطلاحاً «دودکش» آتشفشانی می گویند. انتهای دودکش در سطح زمین که معمولاً وسیع تر می شود، دهانه آتشفشان را تشکیل می دهد.

قبل از فوران آتشفشان فشارهای ماگما باعث ایجاد درز و شکافهایی در سنگهای فوقانی می شود. به این ترتیب گدازه ها ممکن است قبل از رسیدن به سطح زمین در این درز و شکافها یا بین لایه ها تزریق شوند

و «دایک»ها و «سیل»ها را به وجود آورند.

به طور کلی به توده ها آذرین صفحه
مانند یا تخته ای که به صورت مقاطع با
لایه بندی فولیاسیون سنگهای اطراف
قرار گرفته باشند «دایک» و اگر موازی با
سطوح لایه بندی سنگهای اطراف
باشند «سیل» می گویند.

گاهی در بخش مرکزی آتشفشانها یک فرورفتگی بزرگ کم و بیش مدوری تشکیل می شود که به آن کالدارمی گویند. کالدارها ممکن است بر اثر فورانهای انفجاری، با بر اثر فرسایش آتشفشان پس از خاموشی آن ایجاد شود. ولی معمولاً بر اثر فروریختن سنگها ایجاد می شود.



آتشفشانهای را می توان بر اساس چگونگی فوران آنها به انواع انفجاری و آرام تقسیم نمود. فورانهای انفجاری نتیجه آزاد شدن ناگهانی فشارهایی است که به تدریج در زیر زمین افزوده شده اند. در فورانهای آرام مواد مذاب یا گدازه ها به آرامی از دهانه آتشفشان بیرون می ریزند.

مقدار سیلیسی (SiO_2) موجود در گدازه ها در نوع فوران آنها (انفجاری، یا آرام) نقش مهمی بازی می کند. هرچه مقدار سیلیسی در ماده مذاب بیشتر باشد «گرانروی» (ویسکوزیته) آن بیشتر است، یا به عبارت دیگر ناروانتر است. گرانروی عبارت از مقاومت داخلی یک ماده در مقابل جریان یافتن، یا اصطکاک داخلی آن است.

فورانه‌های آرامتر معمولاً مربوط به
گدازه‌های بازالتی است، که به علت
داشتن مقدار کمتری سیلیس، سیالتر و
روانترند. آتشفشانها موجود در خشکیها
بیشتر از نوع انفجاری و آتشفشانهای
اقیانوسی بیشتر از نوع آرام اند.

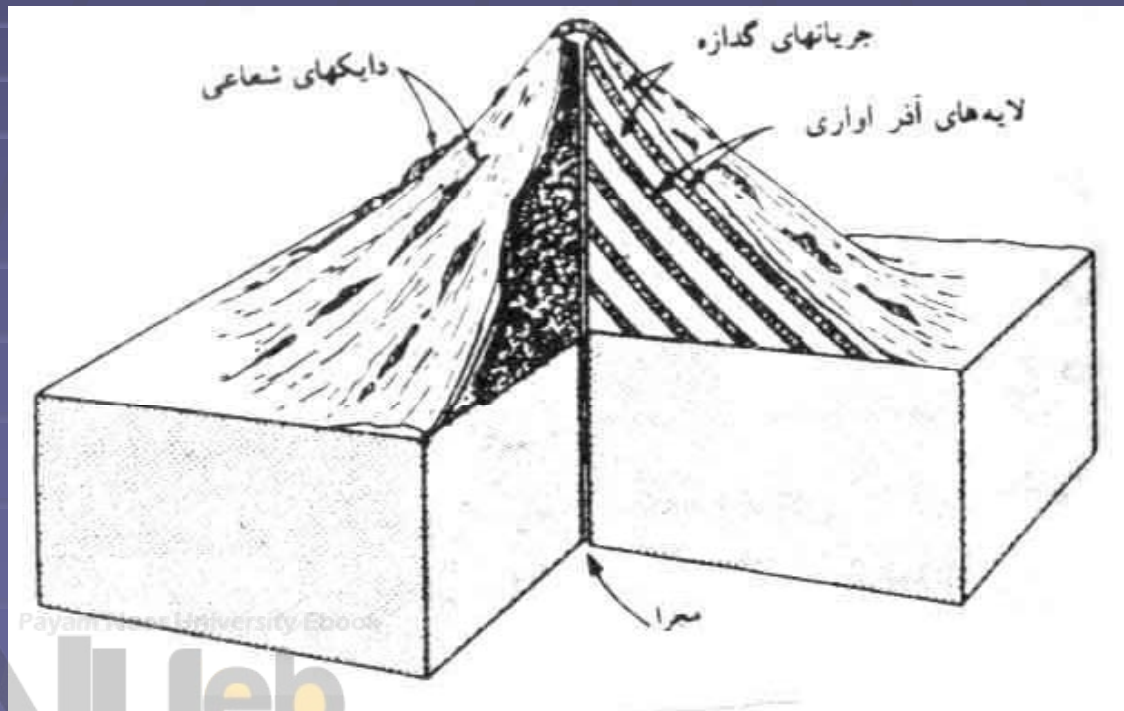
خروج گدازه های در آتشفشانها ممکن
است از طریق مجاری مرکزی یا از راه
شکافهای طویل در پوسته زمین
صورت گیرد. خصوصیات این دو نوع
فوران کاملاً با هم متفاوت اند.

گدازه های بازالتی که روانترند و آزادانه تر جریان می یابند، تا فواصل زیادی از مرکز فوران دور می شوند. این نوع گدازه ها، پس از یک دوره طولانی فوران، یک آتشفشان سپری شکل ایجاد می کنند.

آتشفشان سپری «شبهایی آرامی دارند که معمولاً کمتر از ۱۰ درجه است.»



مخروطهای «مرکب» یا «مختلط» از تناوبی از جریانهای گدازهها ونهشته های آذر آواری تشکیل می شوند(شکل زیر) چون این آتشفشان از لایه های متوالی سنگها مختلف درست شده اند «آتشفشان لایه لایه» نیز خوانده می شوند. آتشفشان دماوند یک مخروط مرکب است.

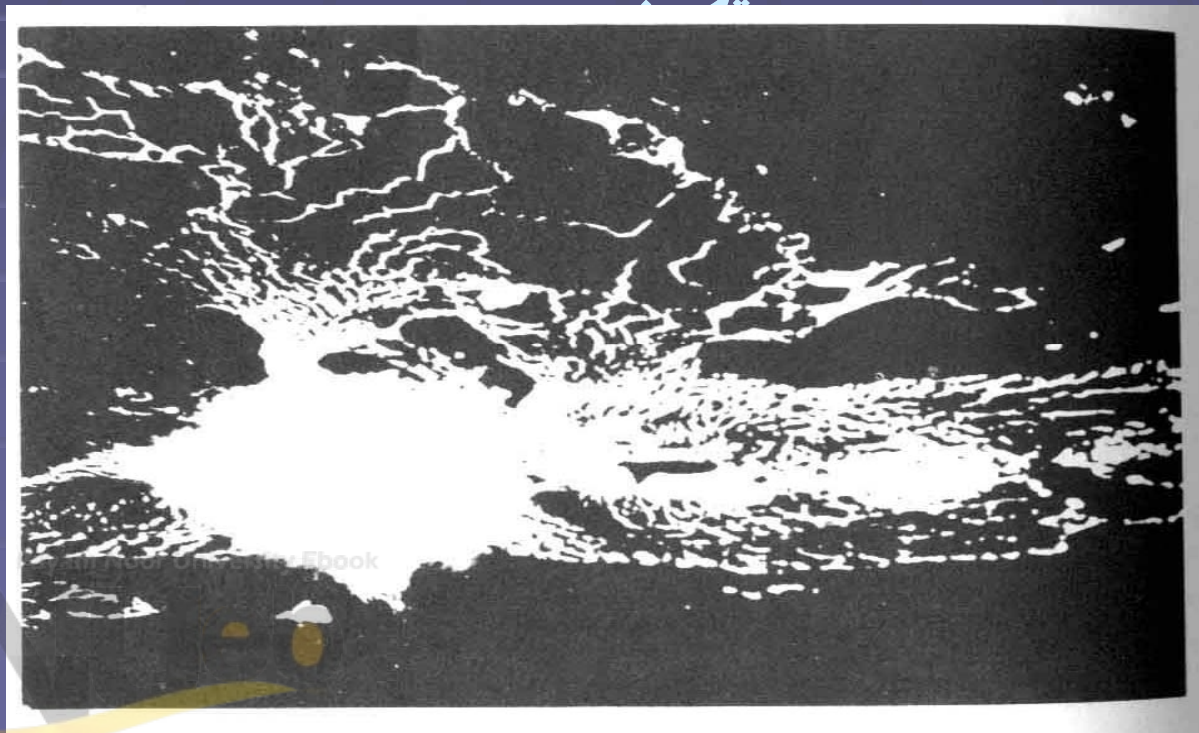


انواعی که در میان آتشفشانها دارای
فوران مرکزی قابل تشخیص اند عبارت
اند از:

- ۱- نوع هاوایی
- ۲- انواع مدیترانه ای
- ۳- نوع پله

نوع هاوایی :

مشخصه این نوع آتشفشانها دهانه ای بزرگ گودال مانند و حاوی دریاچه ها گدازه است. در سطح آنها گاهی یک پوسته تشکیل می شود و گاهی اوقات به صورت مذاب است. گدازه ها بر اثر کنوانسیون دائماً در حال حرکت اند. حبابهای گاز که از گدازه خارج می شوند. و بعضی از اوقات آزاد شدن گاز به قدر کافی شدید است که می تواند فواره هایی از گدازه را به هوا پرتاب کند.



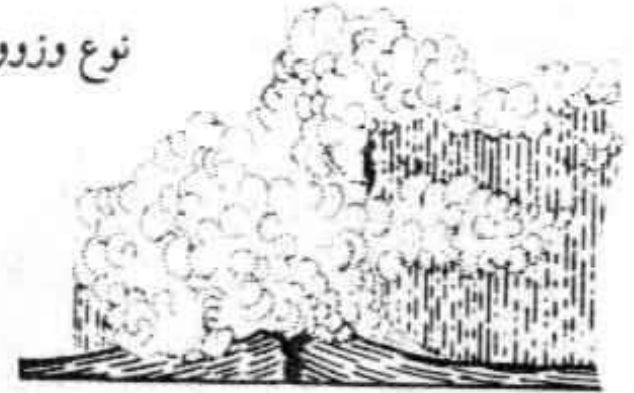
فورانه‌های آتشفشانی نوع مدیترانه: فورانه‌های نوع استرومبولی به فراوانی روی می‌دهند و کم‌و‌بیش منظم‌اند و با خروج گدازه و آزاد شدن انفجاری گاز همراه‌اند. فورانه‌های ولکانو کمتر منظم و شدیدترند. گدازه‌های ویسکوز مجاری آتشفشانی رامسدود می‌کنند تا آن‌که از فشار گاز سبب انفجارهای شدید شود. فورانه‌های وزوو بازهم کمتر رخ می‌دهند، ولی وقتی روی می‌دهند به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای شدیدترند. تجمعهای بزرگی از گاز در طول دوره‌های چند صد ساله ایجاد می‌شود. وقتی این گازها ناگهان آزاد می‌شوند همراه با مواد آذرآورای تا فواصل زیادی از آتشفشان را می‌پوشانند. آتشفشانهای نوع پلینی شدیدترین فورانه‌ها را دارند. انفجارها به‌تنها باعث خروج گازها و گدازه‌های می‌شوند. بلکه توده‌های سنگی را از طرف دهانه آتشفشان می‌شکنند.



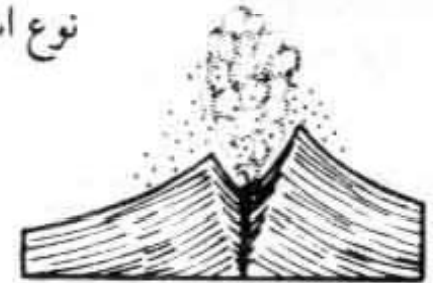
نوع ولکانو



نوع وزوو



نوع استرومبولی

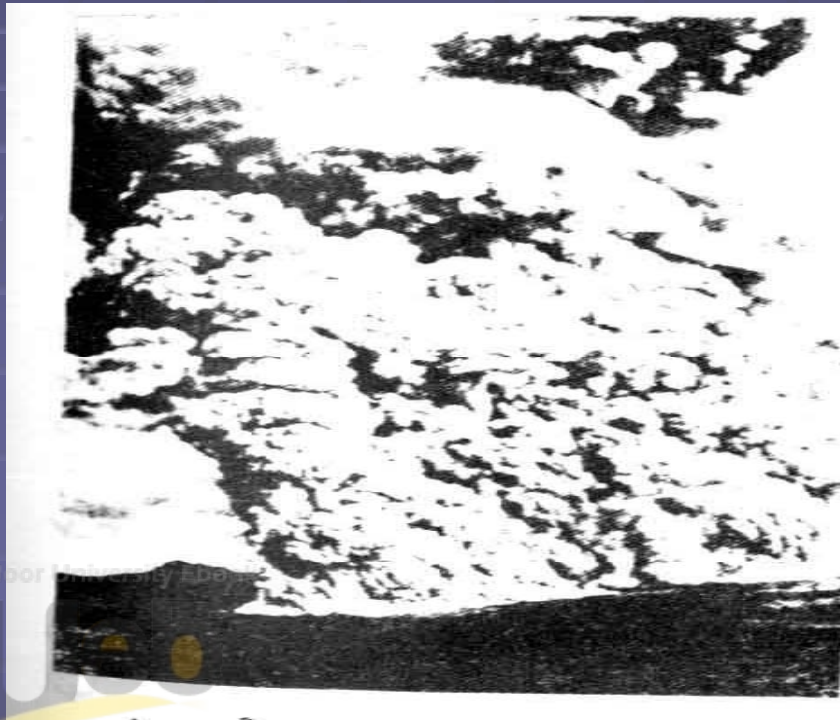


Payam Noor University Ebook

PNUeb

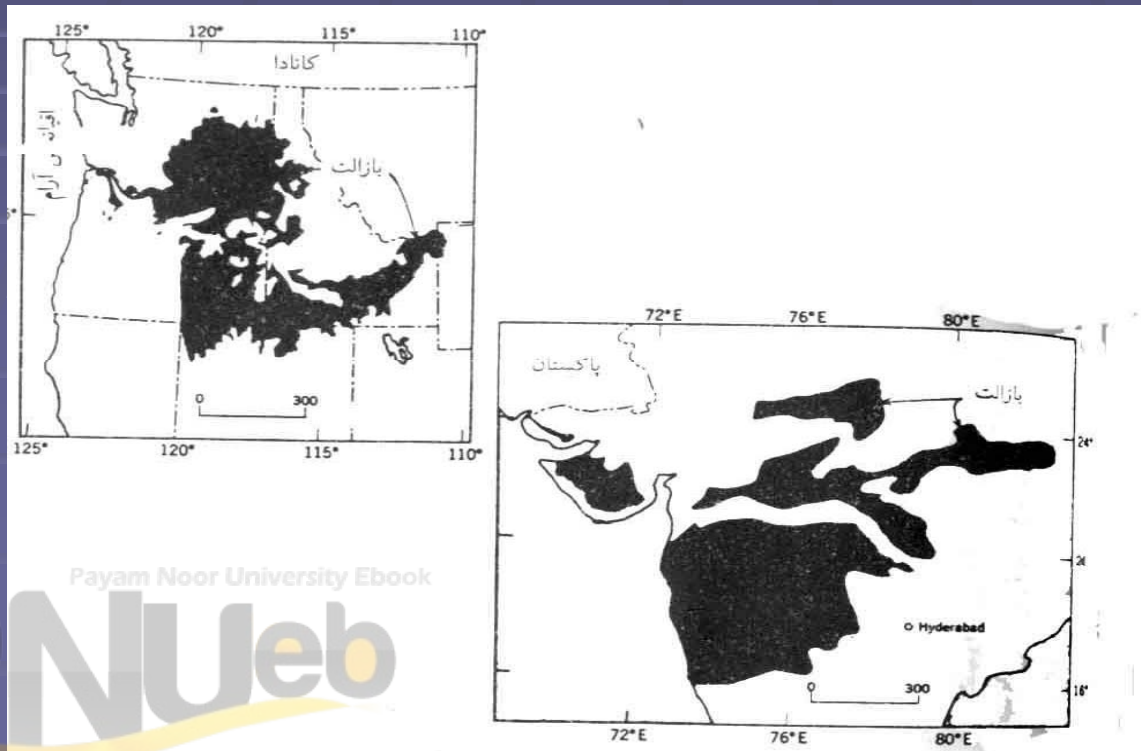
نوع پله :

کوه پله، یک آتشفشان مرکب در جزیره مارتینیک (در دریای کارائیب) است. در سال ۱۹۰۲ در این آتشفشان فوران کننده خاصی رخ داد. ابر سوزانی از خاکسترهای فروزان، گدازه های تا حدی ذوب شده، و گازها از دهانه آتشفشان فوران کرده که (شکل زیر) این گونه ابرهای سوزان را «نوئی آردنت» می گویند.



فورانهای شگافی:

نهشته های خروجی وسیعی را ناحیه دکن در هندوستان، دره های کافتی شرق افریقا، غرب امریکای شمال و دیگر مناطق قاره ای می توان یافت که وسعت آنها به هزاران کیلومتر مربع می رسد و به فلاتهای آتشفشانی معروف اند. بیشتر فلاتهای آتشفشانی در کرتاسه، تریسیر و کوارترنر درست شده اند.



Payam Noor University Ebook

PNUeb

ماهیت فورانهایی که این پهنه های خروجی را ایجاد کرده اند کاملاً مشخص نیست. زمین شناسان معتقدند که گدازه های بسیار سیال آنها به جای مجاوری مرکزی از شکافهای طولی خارج شده اند و قبل از انجماد به سرعت نواحی اطراف را پوشانده اند.

محصول فوران آتشفشان به صورت مواد جامد، مایع و گاز است.
مواد جامدی را که به صورت ذرات و قطعات ریز و درست جامد یا نسبتاً جامد از دهانه آتشفشان به هوا پرتاب می شوند، «تفرا» می گویند. این ذرات را بر حسب اندازه های تقسیم بندی می کنند.

ذرات کوچکتر از ۴ میلی متر
را «خاکستر» آتشفشانی و ذرات این ۴ تا
۳۲ میلی متر را «لایلی» می گویند. معمولاً
خاکسترهای دانه ریز (کوچکتر از ۲۵/ میلی
متر)، «غبار» آتشفشانی خوانده می
شوند. قطعاتی از گدازه ها، به اندازه های
مختلف، که به وسیله فورانهای انفجاری به هوا
پرتاب شده و پس از رسیدن به سطح زمین
منجمد می شوند، اصطلاحاً «بمب» آتشفشانی
گفته می شوند.

رسوب ذرات و قطعات آتشفشانی
در خشکیها یا دریاها موجب تشکیل
گروهی از سنگها به نام سنگهای
آذر آواری (پیروکلاستیک) می
شود. خاکسترهای و لایلی ها پس
از سخت شدن سنگی به نام «توف»
ایجاد می کنند.

گدازه های روان به صورت ورقه های
مایع نازک برافروخته ای جاری می شوند
و در حین جریان با پیچ و تاب خوردن،
اشکال طناب مانندی ایجاد
می کنند. گدازه های دارای سطح طنابی
شکل را «پاهوی هوی» می گویند.

گدازه های با گر انرژی بیشتر حاوی
قطعات نامنظم و ناهمواری هستند که
بر سطح زمین کشیده می شوند
و جریان آنها شبیه به حرکت ذرات
و قطعات سنگ و خاکی است که با تیغه
بولدرز به جلورانده می شود. این
گدازه ها را، که دارای سطحی خشن
و ناهموار هستند، «آآ» می خوانند.

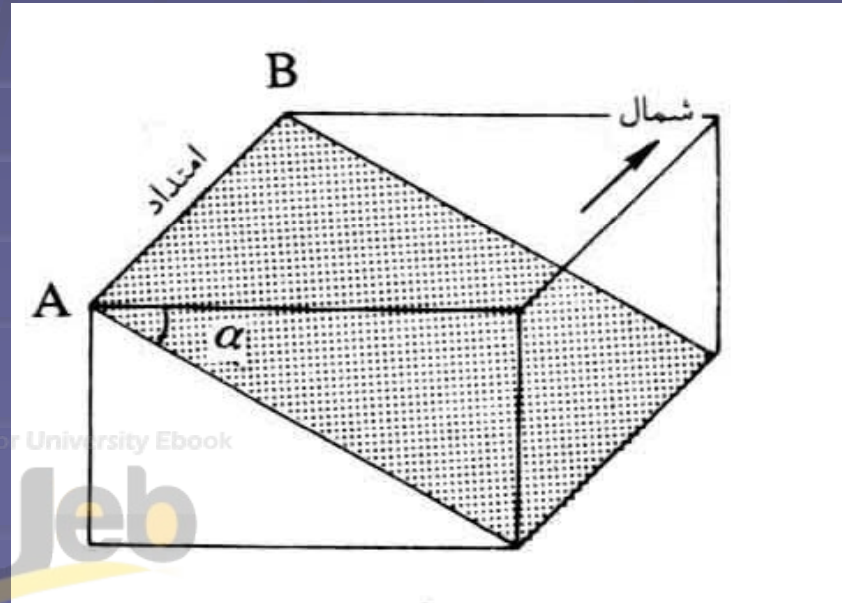
حبابهای گاز در حال خروج از گدازه ها
حفراتی در سنگهای منجمد شده حاصل از
آنها ایجاد می کنند. «اسکوری» سنگی
بازالتی است که حفرات فراوانی
دارد. سنگ اسیدی تری گه
«پونس» خوانده می شود، حاصل انجماد
گدازه هایی است که بر اثر تبخیر اجزاء
فرار، به صورت کف مانند در آمده است.

خروج گازها پس از خاموش شدن
آتشفشان نیز ممکن است سالها یا قرنها
ادامه پیدا کند.

حفره یا مجرای را که از آنجا گاز خارج
می شود «فرموول» می خوانند. وقتی که
آتشفشان تنها گاز تخلیه می کند، می
گویند که آتشفشان در مرحله فرموولی
است.

اندازه گیری جهت یابی سطوح موجود در یک مجموعه سنگی جنبه مهمی از بررسی ساختمانهای تکتونیکی را تشکیل می دهد. موقعیت فضایی هر ساخت صفحه ای، مثل سطح لایه بندی، سطح گسل یا سطح درز را با اندازه گیری « امتداد» و «شیب» آن مشخص می کنند.

«امتداد» عبارت است از جهت یابی خطی که از تقاطع یک سطح افقی فرض با سطح مورد نظر ایجاد شود (شکل زیر) زاویه شیب یک سطح عبارت است از زاویه ای که آن سطح، رو به پایین و در جهت عمود بر امتداد، با سطح افق می سازد، که به آن «شیب حقیقی» نیز می گویند. شیبهای را که در هر جهت دیگری غیر از جهت عمود بر امتداد اندازه گیری شوند، «شیب ظاهری» می گویند.



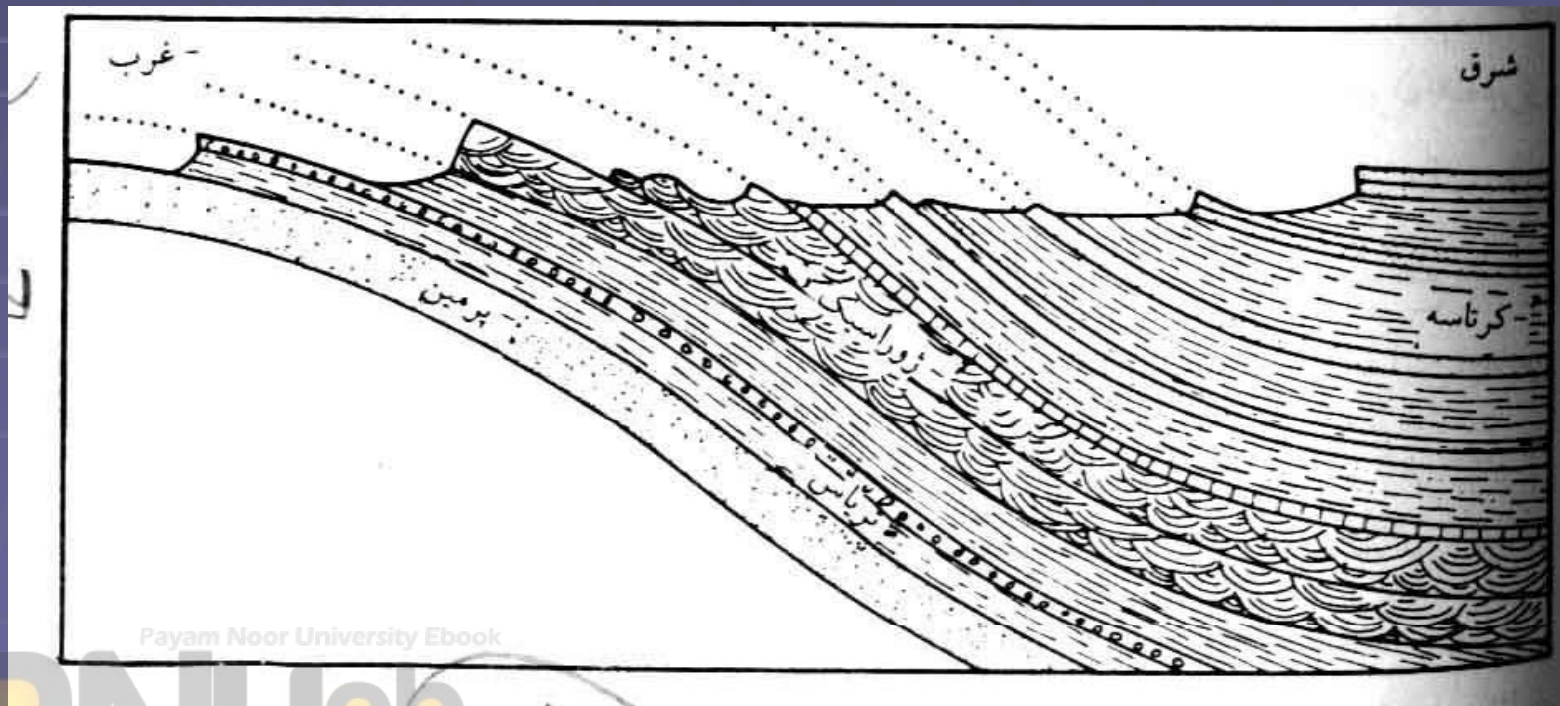
برای نشان دادن جهت یابی معمولاً از یک خط کسری استفاده می شود، که در بالا امتداد لایه و در زیر آن زاویه و جهت شیب لایه نوشته می شود.

مثلاً به مفهوم آن است که امتداد لایه با جهت شمال زاویه ۴۰ درجه به طرف شرق می سازد. و شیب لایه ۲۰ درجه به طرف جنوب شرقی است.

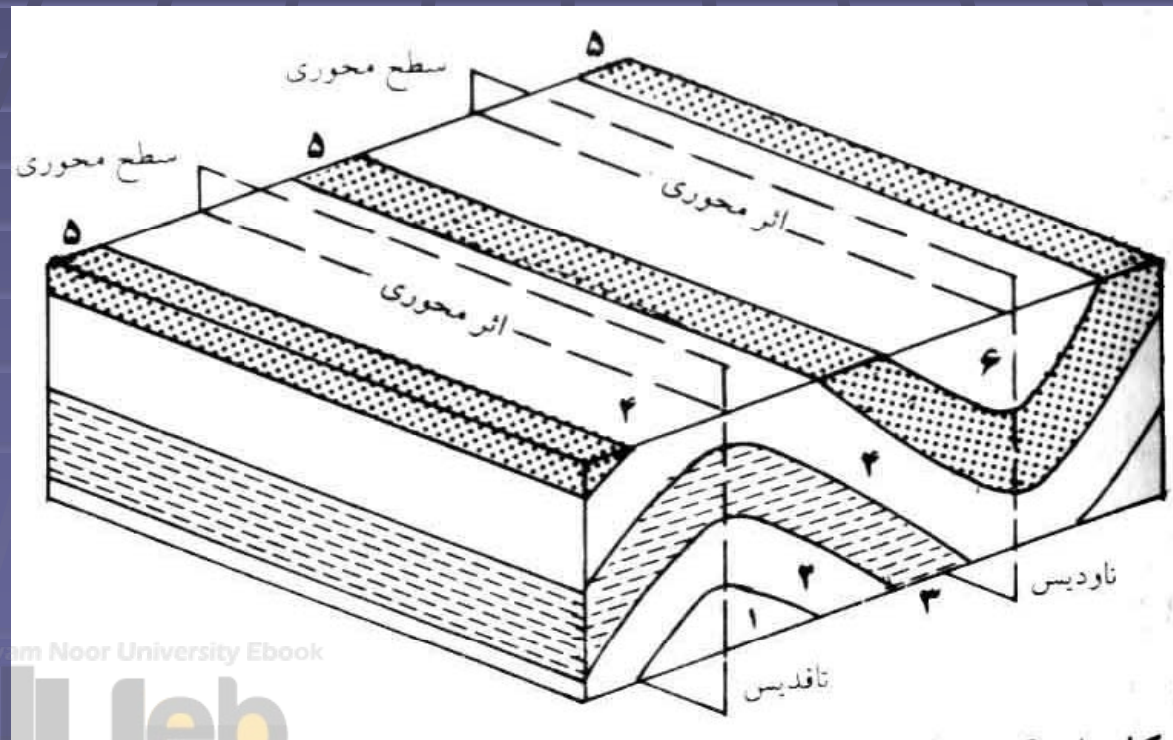
چین عبارت است

از خمیدگی یا انحناء ای کوچک با بزرگ در سنگها، که معمولاً با توجه به شکل سطوح لایه بندی، که در اصل افقی و مسطح بوده اند. مشخص می شود. چین خوردگی یک شکل معمولی تغییر شکل طبقات رسوبی است.

چین ها را بر اساس شکل هندسی،
توصیف و طبقه بندی می کنند. ساده ترین نوع چین را،
چین «تک شیب» می گویند. در این نوع چین، سطح چین
خورده به طور پیوسته در یک جهت دارای شیب است.

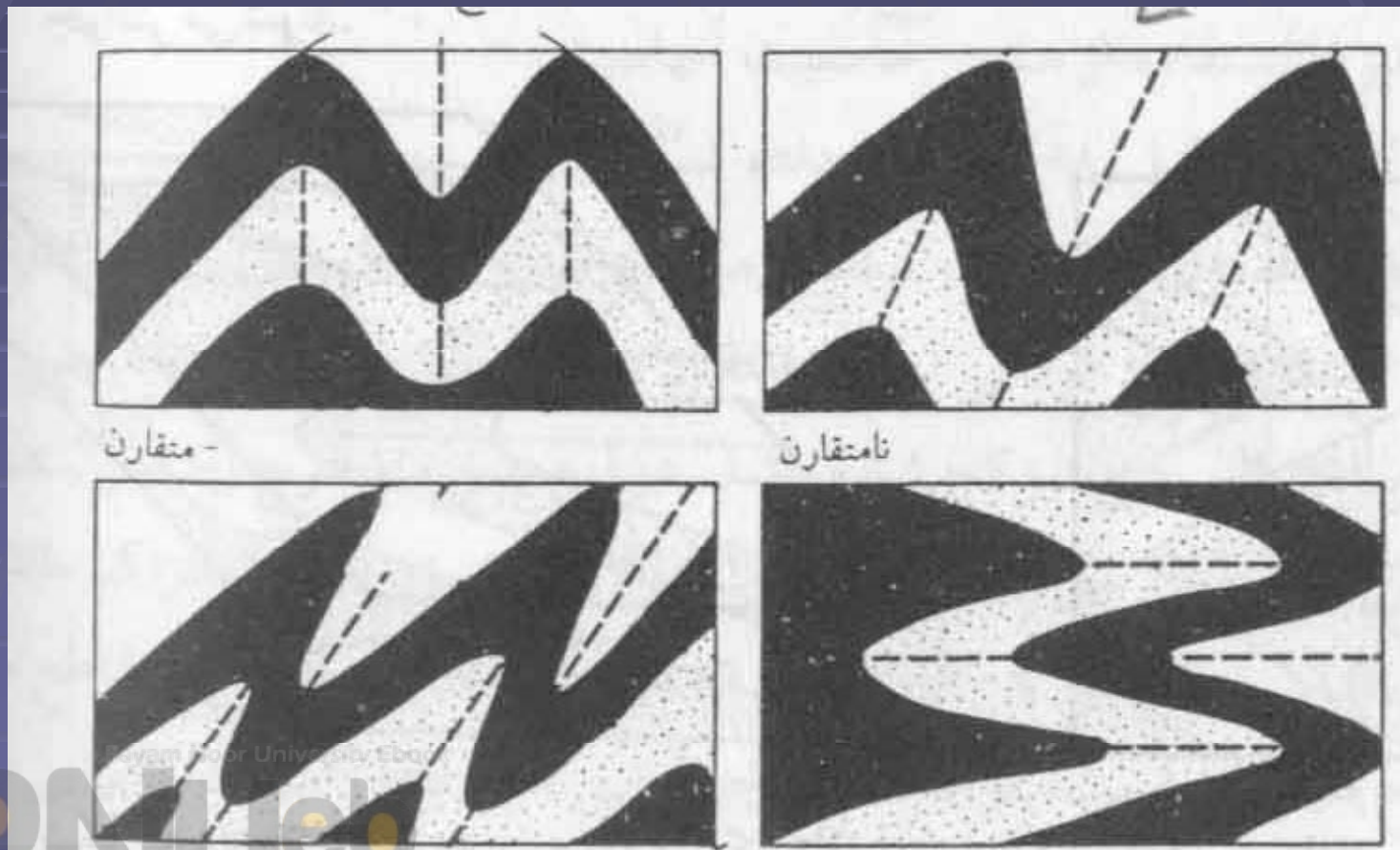


«تاقديس» و «ناوديس» دو نوع اساسی از چین هاست که در نمودار سه بعدی نمونه ساده ای از آنها نشان داده شده است. شیب سطوح لایه بندی از یک سطح فرضی، که تاقديس را به دو قسمت کرده، دور می شود. این سطح را «سطح محوری» و محل برخورد آن را با سطح زمین «یا روی نقشه»، «اثر محوری» می گویند. معمولاً تاقديسها رو به بالا محدب و ناوديسها رو به بالا مقعراند.



تاقديس چيني است كه هر چه به طرف
هسته چين يا اثر محوري آن حرکت
کنيم، لايه ها از نظر چينه شناسي
قديمي تر مي شوند و ناوديس چيني
است كه هر چه به طرف هسته يا اثر
محوري آن حرکت کنيم، لايه ها
جوانتر مي شوند.

چین ها را بر اساس موقعیت سطح محوری و دامنه های آنها به چند نوع تقسیم می کنند. در شکل زیر چین ها متقارن، نامتقارن، برگشته و خوابیده نشان داده شده است.



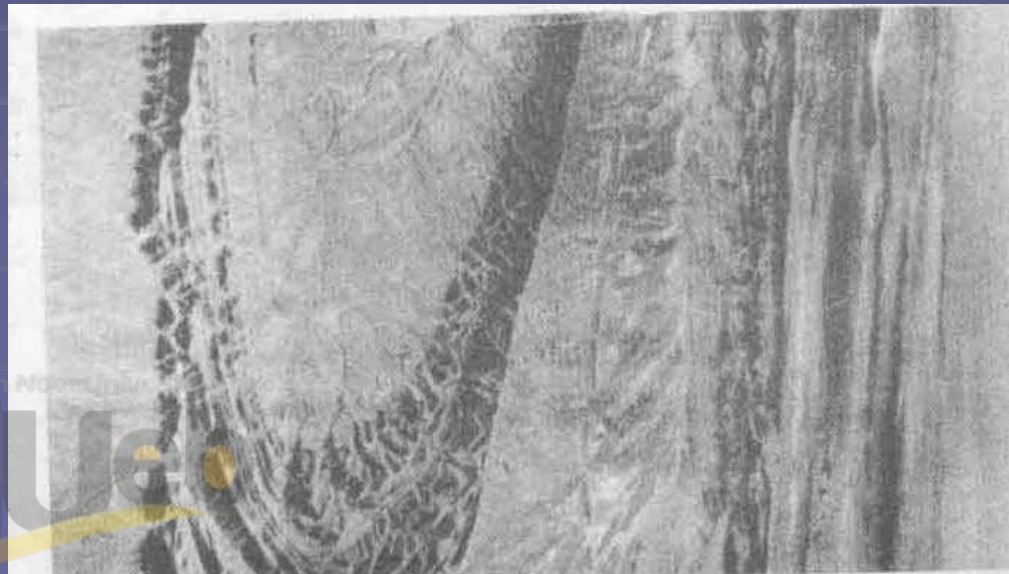
ساختمانهای تاقدیسی را که لایه های از یک نقطه مرکزی رو به خارج دارای شیب اند. «گنبدهای ساختمانی» می گویند بیرون زدگی لایه ها در تاقدیسهای گنبدی، در سطح زمین، کم و بیش به صورت دایره ها یا بیضی های هم مرکز است در اینجا نیز قدیمی ترین سنگها در مراکز قرار گرفته و با سنگهای جوانتر احاطه شده است.



حوضه های ساختمانی

یا «تشک های ساختمانی» نیز ناشی از چین خوردگی لایه هایی است که همه به سوی یک مرکز شیب دارند.

بیرون زدگی این گونه ساختها نیز مشابه گنبد های ساختمانی است، منتها به طرف مرکز لایه ها جوائترمی شوند.



مناطق شکستگی که در امتداد آنها سنگهای
طرفین نسبت به هم جابه جا شده
باشند، «گسل» یا «گسله» خوانده می شوند.
حرکت یک گسل در امتداد «سطح گسل» رخ می
دهد که همان سطح شکستگی است.
در یک گسل، بخشی از سنگها را که در بالای
سطح گسل قرار دارند، «فرادیواره» و سنگهایی
را که در زیر سطح گسل قرار گرفته اند،
«فرودیواره» می گویند.

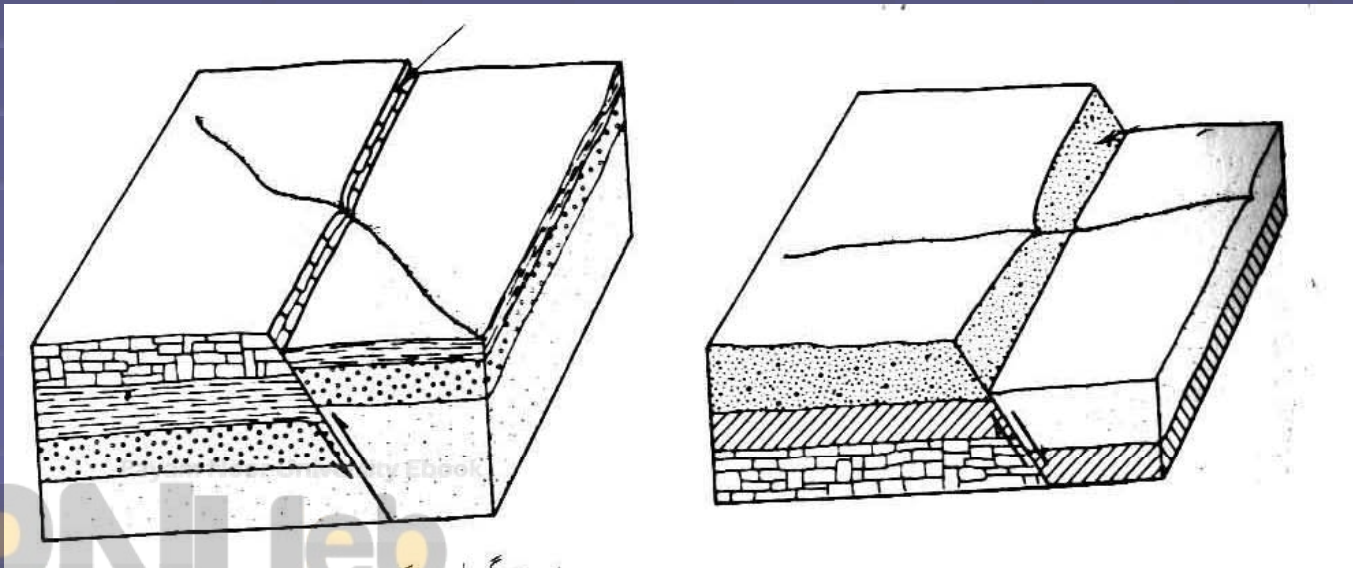
گسلها را به راههای مختلف تقسیم بندی می کنند،

یک راه توصیف انواع گسلها، جهت جابجایی قطعات طرفین گسل نسبت به شیب و امتداد سطح گسل است. «گسل امتداد لغز» گسلی است که جابه جایی آن افقی و در امتداد سطح گسل است. (شکل زیر)

«گسل شیب لغز» گسلی است که جابه جایی در آن در جهت شیب سطحی گسل است.

دو نوع گسل شیب لغز در شکل زیر نشان داده شده است که عبارت اند از:

«گسل عادی» و «گسل معکوس» در گسل عادی فرا دیواره نسبت به فرو دیواره به طرف پایین حرکت کرده و در گسل معکوس فرا دیواره نسبت به فرو دیواره به طرف بالا حرکت کرده است.

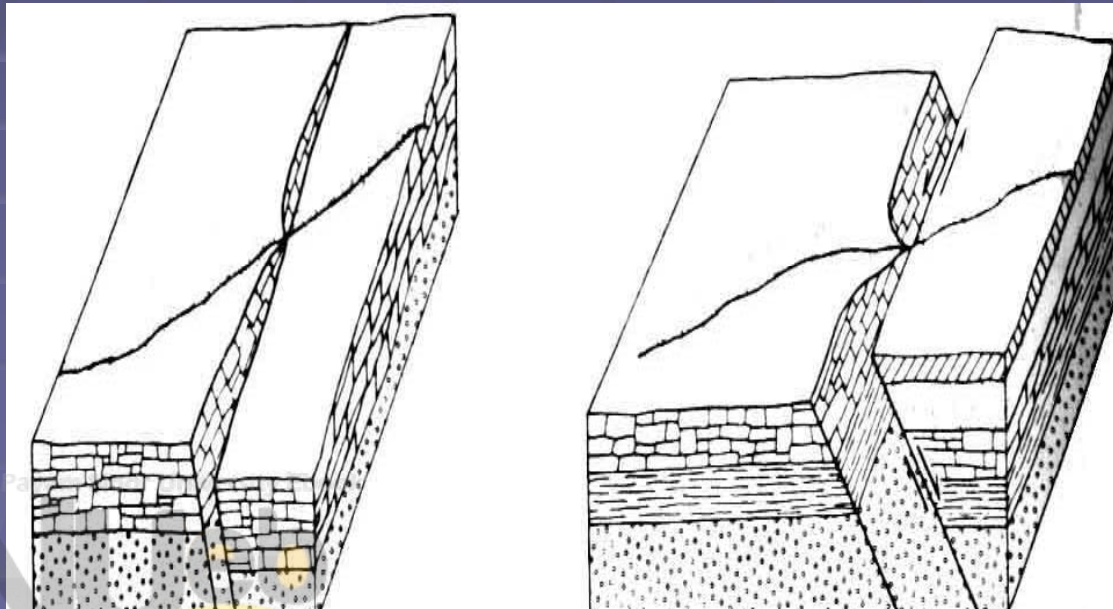


«گسل رانده» یا راندگی، نوع خاصی از گسل معکوس است که سطح گسل شیب کمی دارند یا حتی تقریباً افقی است. در این گسلها فرا دیواره کیلومترها یا حتی دهها کیلومتر نسبت به فرو دیواره حرکت می کند.

گسلها رانده ای را که شیب آنها کمتر از ۱۰ درجه باشد، «رو راندگی» می گویند.

در اغلب گسلها جابه جایی تنها در جهت شیب با امتداد سطح گسل نیست، بلکه معمولاً ترکیبی از حرکات در جهات مختلف وجود دارد.

چین گسلی را می توان گسل با لغزش مایل یا «گسل مایل لغز» نامید. یک «گسل لولایی» دارای جابه جایی چرخشی در امتداد سطح شکستگی است. (شکل زیر)



تقریباً تمام توده های سنگی در نزدیک سطح زمین به وسیله شکستگی‌هایی، که در امتداد آنها هیچ گونه جابه جایی رخ نداده است، شکسته شده اند، این گونه شکستگیها را «درز» یا «درزه» می گویند. تعداد زیادی درز را که جهت یابی موازی و فواصل منظمی دارند، یک دسته درز می گویند. اگر فواصل بین درزها متعددی ممکن است در یک منطقه در زمانهای مختلف می شوند.

درز در سنگها به علل مختلف ایجاد می شود. برخی از علل تشکیل درزها عبارت اند: خمیده شدن سنگها در خلال چین خوردگی که باعث کشش در سطح فوقانی لایه ها و فشردگی در سطح زیرین آنها می شود یا انقباض ناشی از سرد شدن گدازه ها که سبب تشکیل درزهای ستونی یا منشوری می گردد.

نقشه زمین شناسی،

نقشه ای است که توزیع سنگها یا واحدهای سنگی در سطح زمین را، که بر اساس سن تفکیک شده اند، نشان می دهد در واقع آنچه که در روی نقشه های زمین شناسی نشان داده شده می شود مرز بین واحدهای سنگی مختلف است که به آن همبری (کنتاكت) لایه ها می گویند.

در نقشه های زمین شناسی نیز مانند
بسیاری از نقشه ها دیگر موارد زیر غالباً
مشخص می شوند:
راهنمای نقشه، مقیاس نقشه، جهت
و موقعیت نقشه، عنوان یا شماره نقشه
و نام سازمان یا شخص تهیه کننده
نقشه. }

مقیاس نقشه:

مقیاس عبارت است از فاصله بین دو نقطه در روی نقشه، به فاصله همان دو نقطه در روی زمین، که آن را به صورت کسری (مثلاً ۱/۱۰۰۰۰۰ یا ۱/۲۵۰۰۰) یا به صورت ترسیمی نشان می دهند.

به علاوه در روی نقشه ها زمین شناسی ممکن است خطوط تراز توپوگرافی نیز رسم شود. خط تراز یا منحنی میزان نقاط هم ارتفاع در یک منطقه را به هم متصل می کنند و در نتیجه وضعیت پستی و بلندی زمین را نشان می دهد. تلفیق داده ها زمین شناسی و وضعیت توپوگرافی زمین می تواند اطلاعات مفیدی در اختیار ما بگذارد.

دقت یک نقشه زمین شناسی بستگی به پراکندگی بیرون زدگیها و شرایط سنگهای بیرون زده دارد. بعضی از بیرون زدگیها، سنگهایی هستند که چندان هوا زده نیستند و نوع سنگها به خوبی قابل تشخیص اند. در حالی که برخی بیرون زدگیهای دیگر ممکن است چنین خصوصیتی نداشته باشند.

برای تهیه نقشه های زمین شناسی کلیه اطلاعات لازم (مثل نوع و سن سنگها یا واحدهای سنگی، شیب و امتداد لایه ها، ضخامت لایه ها و غیره) در بیرون زدگیهای گردآوری می شود. آن گاه از روشهای همبستگی چینه شناسی برای تعیین ارتباط بین بیرون زدگیها استفاده می شود.

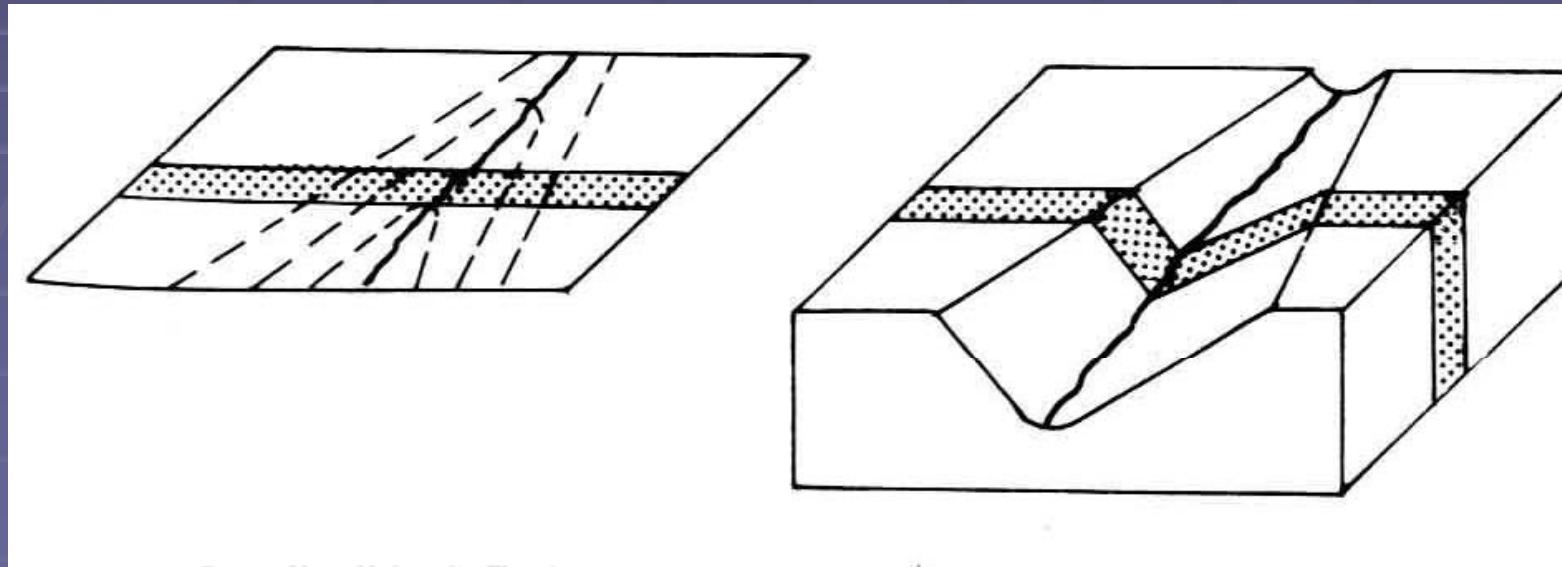
زمین شناسان غالباً به جای سنگها و لایه ها، واحدهای سنگی و عمدتاً تا سازندها را به نقشه ها در می آورند. یک «سازنده» یا «تشکیلات» عبارت از یک واحد سنگی است که مشخصات سنگ شناسی، فسیل شناسی و زمانی خاصی دارد. سازندها را معمولاً به نام محلی که بهترین مقطع آنها وجود داشته باشد، نام گذاری می کنند.

سن نسبی سازندها و خصوصیات سنگ
شناسی آنها در راهنمای نقشه یا به
صورت ستونهای چینه شناسی منطقه
ای در حاشیه نقشه نشان داده می شود.
همیشه قدیمی ترین چینه ها در پایین
و جوانترین آنها در بالای ستون قرار
می گیرد.

در نقشه های زمین شناسی،
نایبوستگی به صورت یک مرکز
چینه شناسی، که معمولاً بی
ارتباط با رخنمون ساختمای زمین
شناسی زیرین است، مشخص می
گردد.

رخنمونهای را که بوسیله سنگهای با
سن بیشتر احاطه شده اند را اصطلاحاً
«برون هشته» می گویند، که معمولاً
در نزدیک پرتگاهها دیده می شوند.
رخنمون هایی را که بوسیله سنگهای
جوانتر احاطه شده اند را نیز «درون
هشته» می گویند که گاهی در کف دره
ها مشاهده می شوند.

سطوح قائم (مثلاً سطوح طرفین یک دایک قائم یا سطوح لایه بندی قائم) دارای رخنه‌هایی هستند که متاثر از توپوگرافی نیست. مثلاً در شکل زیر دایک به صورت قائم در بین لایه‌ها تزریق شده است، بنابراین سطوح قائم با یک نگاه در نقشه‌های زمین‌شناسی قابل تشخیص اند.

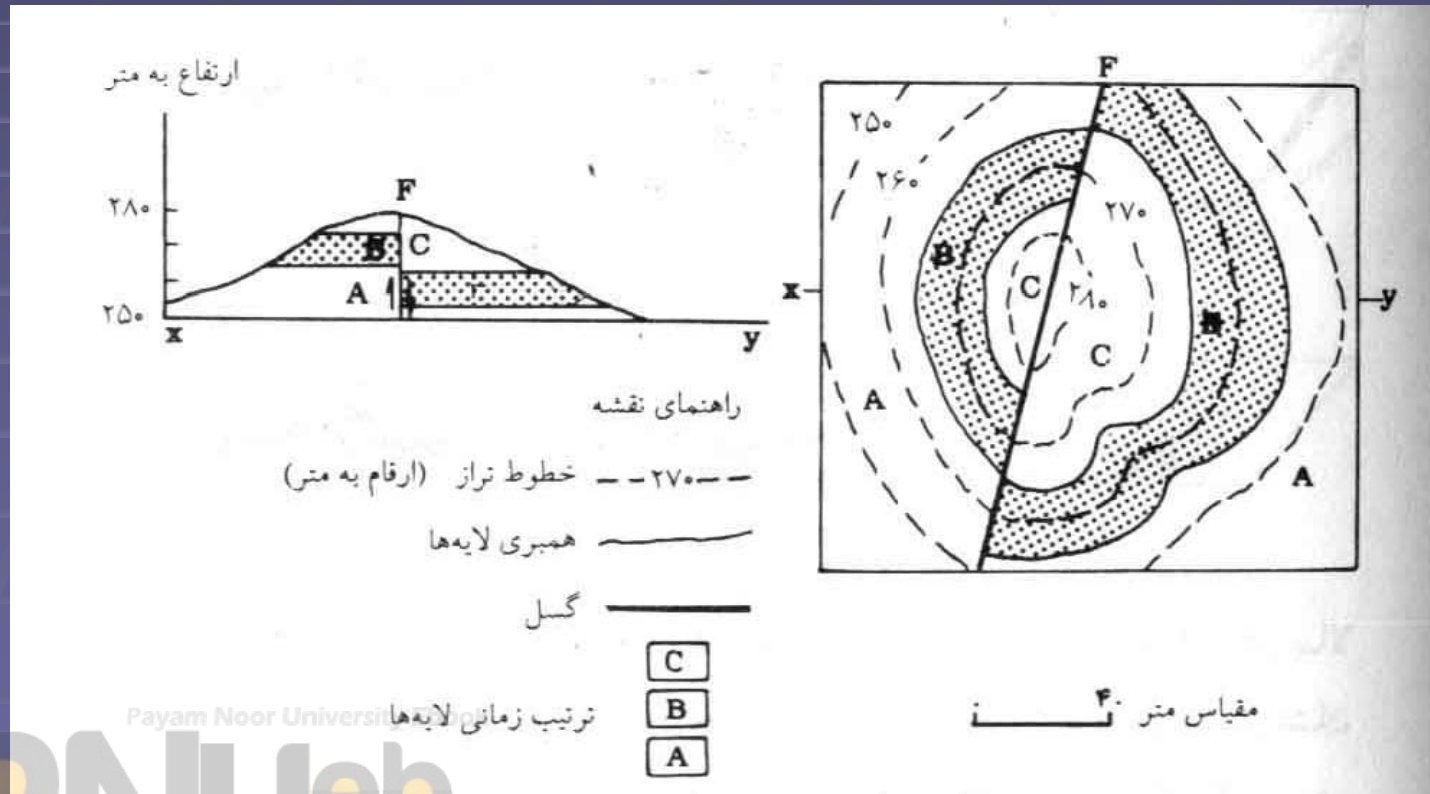


Payam Nour University Ebook

PNUeB

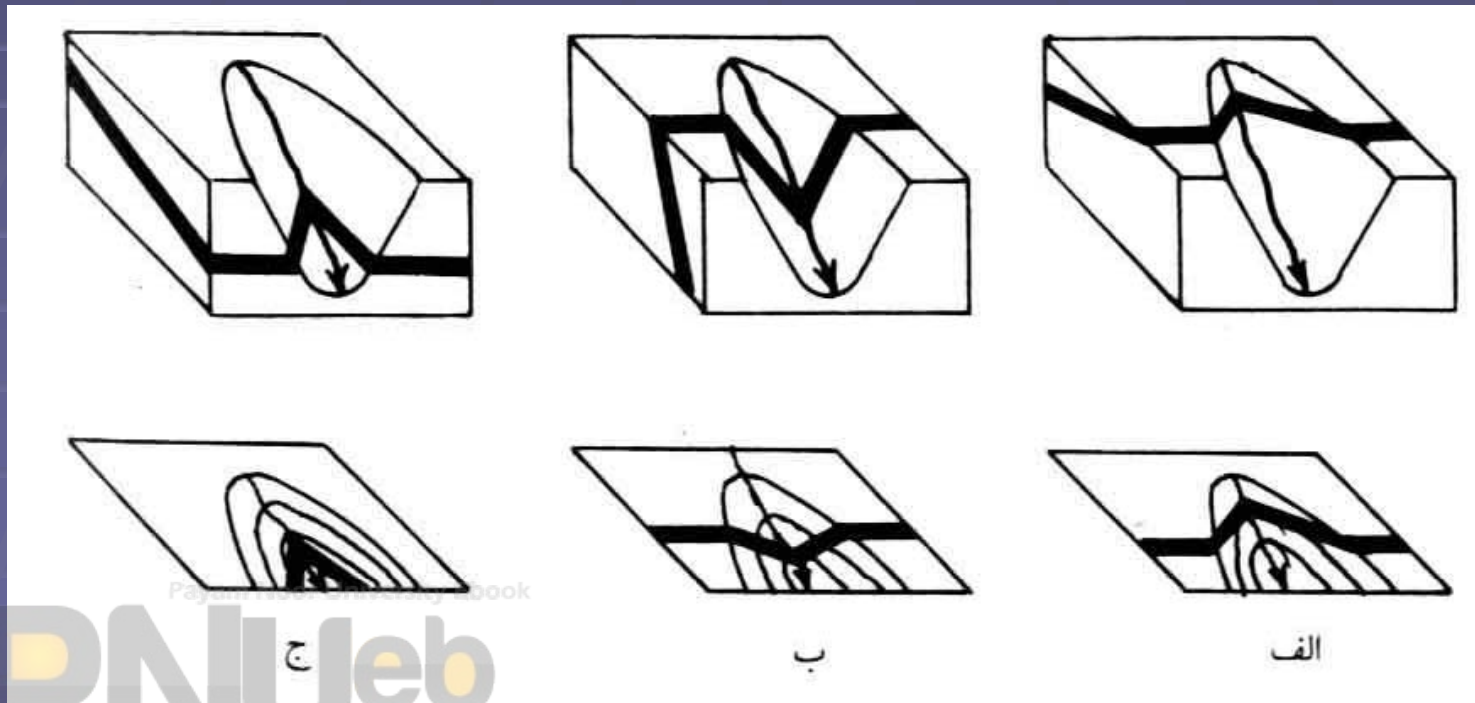
رخنمون سطوح افقی در نقشه ها زمین شناسی همواره موازی خطوط تراز توپر

گرافی است. در نقشه زمین شناسی شکل روبرو لایه های افقی توسط یک گسل قائم جابه جای شده اند.



بسیاری از سطوح زمین شناسی، مثل سطوح لایه بندی، سطح گسل و غیره، مایل اند. رخنمون این سطوح در سطح زمین و نقشه های زمین شناسی به سادگی سطوح قائم و افقی نیست و بنا به شرایط به شکلهای مختلفی تظاهر می کند.

در برخورد یک سطح مایل با دره روخانه و ایجاد یک رخنمون \vee شکل، معمولاً نوک \vee جهت شیب لایه را مشخص می کند. این موضوع به قانون \vee معروف است. البته در شرایطی که شیب لایه و شیب توپوگرافی در یک جهت ولی شیب لایه کمتر باشد، این قانون صادق نیست. (شکل زیر)



از روی شکل بیرون زدگیها و در شرایط مطلوب می توان شیب و امتداد سطوح لایه بندی و سطوح دیگر را نیز به دست آورد. این موضوع در شکل زیر نشان داده شده است. محل برخورد سطح مورد نظر را با یک خط تراز توپوگرافی در دو نقطه معلوم می کنیم.

باتوجه به تعریف امتداد خطی که دو نقطه هم ارتفاع را در روی یک سطح به هم متصل کند، نشان دهنده امتداد آن سطح است به این ترتیب می توانیم امتداد سطح موردنظر را در ارتفاعات ۶۰۰ و ۷۰۰ متر به دست آوریم (cd, ab در روی شکل)

برای پیدا کردن مقدار شیب سطح مزبور نیز خطی را عمود بر خطوط امتداد رسم می کنیم تا آنها را در دو نقطه قطع کند (F, E). طول EF را روی شکل اندازه گیری می کنیم و با توجه به مقیاس نقشه فاصله افقی دو نقطه EF را در سطح زمین به دست می آوریم (۵۰۰ متر در شکل) با توجه به اختلاف ارتفاع دو نقطه EF (۱۰۰ متر در شکل)، تاثرات زاویه شیب (a) این سطح از رابطه زیر به دست می آید.

$$\tan \alpha = \frac{F, E}{F, E} = \frac{100}{500} = 0.2 \Rightarrow \alpha \cong 11$$

بنابراین شیب سطح مورد نظر حدود ۱۱ درجه است.
می توان شیب را به صورت درصد نیز بیان کرد (شیب
سطح مزبور ۲۰ درصد است). به این ترتیب امتداد و شیب

سطح مورد نظر عبارت است از $N - 64 - E$

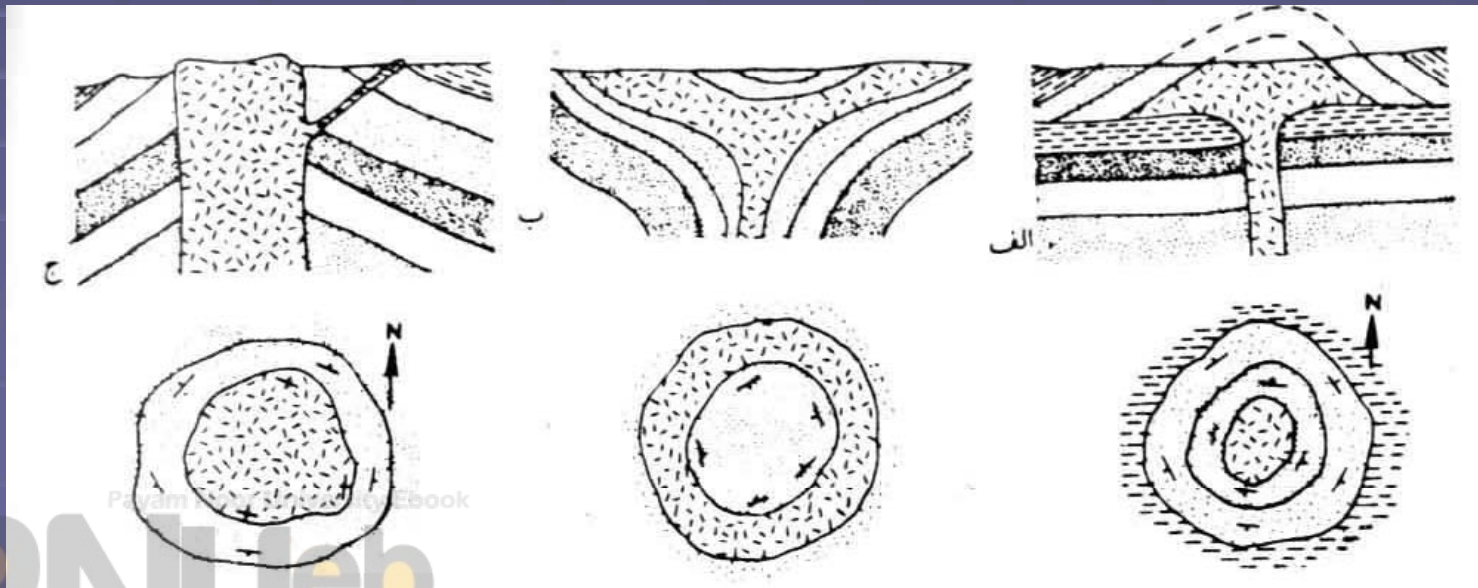
$11SE$



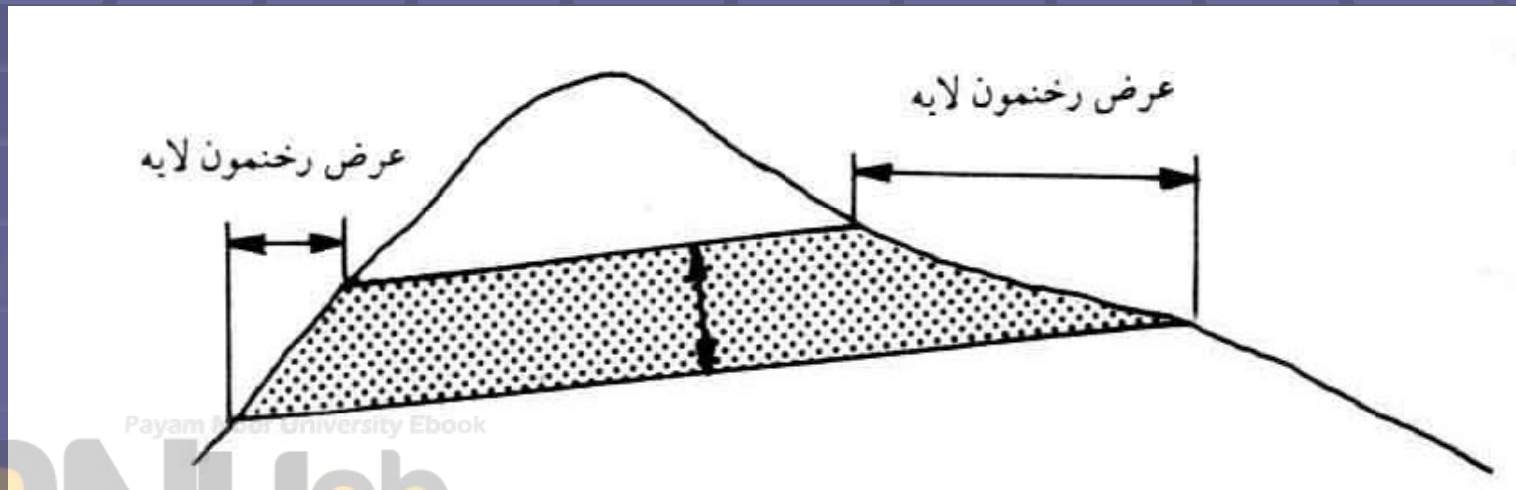
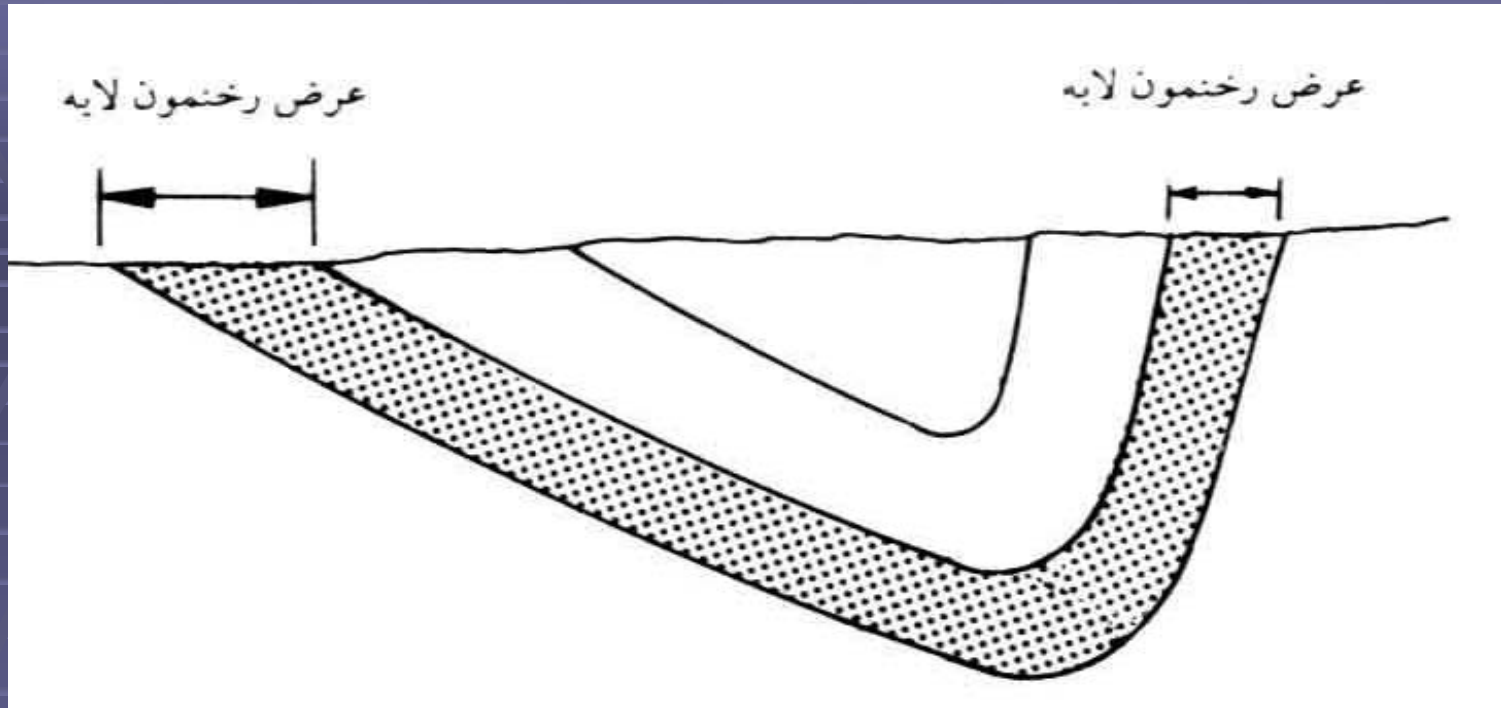
بسته به نوع چین و توپوگرافی زمین، چین ها به شکلهای مختلفی در نقشه های زمین شناسی ظاهر می شوند. مثلاً چین های افقی به صورت یک سری خطوط کم و بیش موازی با محور چین است که در تاقدیساها به سمت محور چین لایه قدیمی تر و در ناودیساها به سمت محور چین لایه ها جوانتر می شوند رخنمون چین های دارای میل در نقشه به صورت خطوط زیگزاگ مانند (۷.۸) تظاهر می کنند.

«سیل»، که از تزریق مواد مذاب در حد فاصل لایه ها ایجاد می شود، یک ساخت آذرین همساز است. بنابراین همبری آنها به موازات سنگهای رسوبی اطراف می باشد. توده های آذرین ناهمساز ساختهایی هستند که سنگهای اطراف را قطع می کند. مثلاً «دایک»، که بر اثر تزریق مواد مذاب به داخل شکافها و شکستگیها سنگها ایجاد می شود، یک ساخت صفحه ای ناهمساز است. رخنمون این سنگها در نقشه های زمین شناسی معمولاً به صورت نوره های مستقیمی دیده می شود.

«لاکولیت»ها، توده های آذرین نفوذی هستند که موجب گنبدی شدن لایه های فوقانی می شوند و معمولاً که آنها تقریباً افقی است. «لوپولیت»ها، نیز نوعی ساختهای آذرین نفوذی اند که عمدتاً به شکل قیف اند، «بایولیت»ها، بزرگترین توده های آذرین نفوذی اند. توده های نفوذی کوچکتر که سطح تماس آنها با سنگهای اطراف پر شیب است، «استوک» می گویند.



عرض رخنمون یک لایه، یا دیگر
ساختهای زمین شناسی، علاوه بر
ضخامت، به شیب آنها و همچنین شیب
سطح زمین وابسته است. هرچه شیب
یک لایه کمتر باشد، عرض آن در
بیرون زدگی بیشتر است.



Payam Noor University Ebook

رخنمون سطح گسل مایل که دره ها را قطع می کند، در نقشه به شکل V است. رخنمون گسلهای قائم متأثر از توپوگرافی نیست و به صورت خطوط مستقیم در نقشه ظاهر می شوند. رخنمون گسلهای افقی یا کم شیب موازی یا تقریباً موازی خطوط تراز توپوگرافی است.